

خلاصه ای از زندگی

خلاصه ای از زندگی نامه عارف ربّانی فقیه اهل بیت علیهم السلام حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی (دامت برکاته).

ولادت

آیه الله العظمی بهجت ، در اواخر سال 1334 ق در خانواده ای مذهبی و تقوا پیشه ، در شهر مذهبی ((فومن)) چشم به جهان گشود. پدر ایشان ، کربلای محمود بهجت ، از مردان مورد اعتماد شهر بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار به حل و فصل امور مردم می پرداخت .

تحصیلات

ایشان ، تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد و سپس ، به تحصیل علوم دینی پرداخت . بعد از تحصیل ادبیات عرب در شهر فومن ، در سال 1348 ق برای تکمیل علوم حوزوی راه هجرت را پیش گرفت . پس از چندی اقامت در قم که چند سالی از پا گرفتن حوزه علمیه قم به دست مرحوم آیه الله حائری (قدس سره) نگذشته بود به عراق هجرت کرد و در کربلای معلی اقامت نمود و حدود چهار سال علاوه بر تهذیب نفس و خودسازی ، از محضر استادان بزرگ آن جا بهره جستند.

و در سال 1352 ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف تشریف حاصل کرده و سطوح عالی را در محضر آیات عظام آن جا ، به پایان رساند.

جدیت در تحصیل

معظم له در تحصیل علوم چنان جدّیت داشت و چنان به درس می پرداخت که گویی غیر از درس ، اشتغال دیگری ندارد و در تالیف کتاب سفینه البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی همکاری داشته و قسمت زیادی از سفینه البحار به خط ایشان است . ایشان در درس سطح کفایه یکی از تلامذه مرحوم آخوند خراسانی ، روزی به تقریر درس استاد اعتراض نموده و با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سالتر بودند، در جلسه بعدی و قبل از آمدن استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرند، ناگهان استاد وارد شده و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان گردیده خطاب به آنان می فرماید: با آقای بهجت کاری نداشته باشید الا ن خواهم گفت ، همه ساکت شدند. ایشان فرمودند: دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حق با ایشان است ، پس از این سخن از جدیت و نبوغ ایشان تمجید می نمایند.

اساتید معظم له

اساتید معظم له ، عبارت از آیات عظام :

1 - آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی

2 - آقای ضیاء الدین عراقی

3 - میرزای نائینی

4 - حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی

5 - حاج شیخ محمد کاظم شیرازی

6 - میرزا علی آقای قاضی تبریزی

7 - سید حسین یادکوبه ای

8 - سید محمد حجت کوه کمره ای

9 - حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی .

تدریس و تالیفات

ایشان بیش از پنجاه سال است که به تدریس سطوح و خارج فقه و اصول اشتغال دارند و فضایل گرانقدری از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند و اکنون از مجتهدان بزرگ ، به شمار می آیند. استاد به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده اند. حضرت آیه الله تالیفات کثیری در فقه و اصول دارند که ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود:
الف (یک دوره اصول ، ب) حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری رحمه الله علیه ج (کتاب الطهارة شرح شرایع ، د) قریب به یک دوره صلاة ، ه) حاشیه بر ذخیره العباد مرحوم کمپانی که یک دوره فقه فارسی بوده حدود ده مجلد، و) حاشیه بر مناسک حج شیخ اعظم رحمه الله علیه

تزکیه و تعلیم

ایشان ، چنان به تهذیب نفیس و خودسازی و درک علمای این فن می پرداخت که گویا فقط برای همین کار است و کار دیگر ندارد و در عبادت و تهجد چنان جدی بود که انگار فقط عابد است . ایشان بعد از درس مرحوم آقای شیخ محمد حسین غروی ، به حجره باز می گشتند، و پذیرای بعضی از طلابی که فهم درس آقای اصفهانی اشکال داشتند، بودند.

و چه بسا در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند، و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند، جواب کافی و شافی . و چون از خواب برمی خواستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد، ابدأ اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گوئید در خاطر چیزی نیست .

آیه الله العظمی بهجت از برجسته ترین چهره های زاهد و وارسته زمانمان می باشد که حشمت ، علم و فضائل ایشان ده ها سال است در قلمروهای گوناگون و مجامع دینی و مذهبی مطرح است ، با این حال چنان در جاذبه معنویات قرار گرفته و حقیقت و باطن دنیا را یافته است که ذره ای به تعلقات و مادیات آلوده نگشته و از هر چه رنگ تعلق گرفته آزاد است . او نه تنها چنین اندیشیده و از دنیا و مظاهرش گریزان است بلکه در عمل و زندگی معیشتی نیز، در همین راستا در حرکت است . زندگی ساده او در خانه ای قدیمی و محقر، در کوچه ای بن بست از کوچه پس کوچه های قم و مقاومت ایشان در برابر درخواستهای مکرر علماء و مردم برای تعویض خانه ، گواهی صادق بر روح بزرگ و زاهدانه این پیر فرزانه است .

یکی از مجتهدان بزرگ ، درباره این عارف وارسته گفته است : ((ایشان را نمی شود گفت آدم با تقوایی است ، بلکه عین تقوا و مجسمه تقوا است)).

عبادت

ارتباط استوار آیه الله العظمی بهجت با خداوند متعال ، ذکرهای پی در پی ، بجای آوردن نوافل ، شب زنده داریهای کم نظیر ایشان بسیار درس آموز است . سالهای سال است که نماز جماعت ایشان از پر شورانگیزترین ، با صفا ترین و روحنازترین جماعت های ایران اسلامی است . در این نماز عالمان وارسته و خداجوی ، کثیری از طلاب انقلابی خارج از کشور ، بسیجیان رزمجو و دلداده خدا ، طلاب تقوی پیشه و دیگر قشرهای مردم شرکت می کنند. این نماز چنان پر از معنویت است که گاه با صدای گریه و آهنگ حزین این پیر فرزانه شکوه ویژه ای پیدا می کند و گاه صدای گریه آیه الله العظمی بهجت با گریه و ناله غم انگیز نمازگزاران همراه می شود. در نماز ایشان روحها به پرواز می آید، چشمها به اشک می نشیند، فضای دلها بارانی می گردد و گاه قطره های درشت اشک بر دامن سجاده ها می ریزد. چنین فضای معنوی و روح نوازی را، تا کنون در هیچ نماز جماعتی ندیده ایم ، بی جهت نیست که در مسجد ایشان ، بسیاری از اوقات جا برای نمازگزاران تنگ می شود و عده کثیری و حتی آنان که مشتاقانه و به امید کسب فیض از این نماز پر معنویت ، از راههای دور آمده اند مجبور به ترك مسجد می گردند.

زیارت و توسل

کمتر کسی را می توانیم در قم پیدا کنیم که چون ایشان با این سن و سال هر روز با نهایت ادب به محضر مقدس حضرت معصومه علیها السلام شرفیاب گردیده و با توسل عجیب و روزانه خویش به حضرت معصومه علیها السلام با احترام و خضوع و خشوع در مقابل ضریح مطهر ایستاده و پس از خواندن زیارت عاشوراء مولایش ابا عبدالله الحسین علیه السلام بنگونه زندگی روزمره خویش را آغاز کند. کجا پیدا می کنید، کجا؟ مؤلف کتاب انوار الملکوت نیز از قول آیه الله حاج شیخ عباس قوچانی وصی مرحوم میرزا علی آقای قاضی نقل می کند که : آیه الله العظمی بهجت بسیار به مسجد سهله می رفتند و شبها تا به صبح تنها بیتوته می نمودند. يك شب که بسیار تاریک و چراغی هم در مسجد روشن نبود، در میانه شب ، احتیاج به تجدید وضو پیدا کرده و برای تطهیر و وضو به ناچار باید از مسجد بیرون رفته و در محل وضوخانه که بیرون مسجد و در سمت شرقی آن واقع است وضو بسازند. ناگهان مختصر خوفی در اثر عبور این مسافت و در ظلمت محض و تنهایی در ایشان پیدا می شود. به مجرد این خوف يك مرتبه نوری ، همچون چراغ در پیشاپیش ایشان (آیه الله العظمی بهجت) پدیدار شده که با ایشان حرکت می کرد. ایشان با آن نور خارج شده تطهیر کرده و وضو گرفتند و سپس به جای خود برگشتند و در همه این احوال آن نور در برابرشان حرکت داشت ، تا وقتی که به محل خود رسیدند و آن نور از بین رفت .

ارتباط با امام خمینی

حضرت امام رحمة الله علیه به ایشان عنایت خاصی داشتند، یکی از بزرگان ، در مورد عنایت ویژه حضرت امام رحمة الله علیه به ایشان می گوید: در یکی از شرفیابی های خبرگان رهبری به خدمت امام راحل رحمة الله علیه از ایشان رهنمودی برای مسائل اخلاقی خواسته شد، حضرت امام رحمة الله علیه آنها را به حضرت آیه الله العظمی بهجت حواله دادند و در جواب اظهار خبرگان که معظم له کسی را نمی پذیرد، فرمودند: آن قدر اصرار کنید تا بپذیرد. یکی از شاگردان امام رحمة الله علیه در خاطره ای می گوید: پس از آزادی حضرت امام رحمة الله علیه و ورود ایشان به قم در سال 1341 (ش) تمام محله های قم ، جشن گرفتند و منزل امام هر روز پر از جمعیت بود. حضرت آیه الله العظمی بهجت نیز از کسانی بود که هر روز به منزل امام تشریف می آوردند و مدتی بر در یکی از حجرات بیت ایشان می ایستادند، وقتی به ایشان پیشنهاد شد که : ((شایسته نیست که بیرون اطاق بایستند، لا اقل داخل اطاق بنشینند.))، ایشان در جواب فرمود: ((من ، بر خود واجب می دانم که جهت تعظیم این شخصیت ارزنده هر روز به اینجا آمده و دقایقی بایستم و سپس باز گردم.))

ارتباط مستمر مقام رهبری با آیه الله العظمی بهجت

حضور مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای و مسؤ ولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ، در بیت ایشان و ارتباط مستمر آنان با این فقیه ژرف اندیش تاءید مستحکمی است از خردمندی های سیاسی و ارزش های معنوی آن بزرگوار.

پیشگفتار

معنای احکام

دستورهای عملی اسلام که وظیفه انسان ها را نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری کنند، مشخص می کند، احکام گویند.

اقسام احکام

احکامی که وظیفه مکلفان را معلوم می کند، پنج قسم است :

واجب ، حرام ، مستحب ، مکروه ، مباح .

واجب : کاری است که انجام دادن آن لازم است و ترك آن عقاب دارد، مانند نماز و روزه .

حرام : کاری است که ترك آن لازم و انجام دادنش عقاب دارد، مانند دروغ و ظلم .

مستحب : به کاری می گویند که انجام دادنش بهتر است و ثواب دارد، مانند صدقه دادن .

مکروه : کاری است که ترك آن نیکو می باشد، ولی انجام دادنش عقاب ندارد، مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذا داغ .

مباح : به کاری گویند که انجام دادن و ترك آن مساوی است ، نه عقاب دارد و نه ثواب ، مانند راه رفتن و نشستن .

احتیاط مستحب : احتیاطی است غیر فتوای فقیه ، و رعایت آن واجب نیست .

احتیاط واجب : امری است که مطابق احتیاط بوده ولی فقیه در آن فتوا نداده است ، در چنین مواردی مقلد می تواند به فتوای مجتهد دیگر که در رتبه بعد قرار دارد (فالا علم) عمل کند.

احوط: منطبق با احتیاط.

اظهر: ظاهرتر و روشن تر، از فتواست و مقلد باید طبق آن عمل کند.

آغاز عبادت

بلوغ

در آغاز جوانی هر فردی تحولی بزرگ در او رخ می دهد. قوای جسمی و روحی اش شکوفا می شود، عشق و امید در او موج می زند. احساس می کند شخصیتی پیدا کرده ، دیگر تابع این و آن نیست . می خواهد خودش مستقل باشد،

خودش تصمیم بگیرد، یعنی دیگر او ((بالغ)) شده ، ولی چه کند، نمی داند از میان هزاران راهی که در پیش چشمان او رخ می نماید کدام را انتخاب کند. می خواهد سعادت ابدی را تحصیل کند. احساس می کند به رهنمایی آگاه و دلسوز نیاز دارد. بیک الهی را می بیند که با نامه ای آسمانی به سویش آمده دست او را می بوسد و نامه اش را می گشاید، همه چیز در آن هست ، دیگر جایی برای نگرانی باقی نمانده ، راه از چاه و حق از باطل برایش روشن شده است و به شکرانه این که خدا تاج عزت بر سر او نهاده است ((جشن تکلیف)) می گیرد، یعنی از این به بعد ((مکلف)) شده است و نسبت به احکام وظیفه دارد.

علائم بلوغ

بعضی پس از چند ماه که از بلوغشان گذشته تازه متوجه می شوند که بالغ بوده اند و در این مدت وظایف خود را انجام نداده اند.

تشخیص این مسأله آسان است ولی بیابید کمی دقت کنیم ، بلوغ سه نشانه دارد اگر یکی از آنها در دختر دیده شود بالغ شده است .

1 - سن بلوغ

باز هم توجه داشته باشیم که سن بلوغ بر اساس سال قمری است .

سن بلوغ در دختران تمام شدن نه سال قمری است .

سال قمری ده روز و هجده ساعت از سال شمسی کمتر است .

حالا بیابید 96 روز و 18 ساعت را از 9 سال شمسی کم کنیم تا سن بلوغ دختران بر اساس سال شمسی به دست آید.

استفتاء

سن بلوغ دختر تمام شدن نه سال قمری است ، ولی تکالیفی که قدرت بر انجام آن نداشته باشد، مثل روزه ، از جهت

عدم قدرت ساقط است . ولی اگر می تواند در همان رمضان بطور منفصل (مثلا يك روز در میان) (1) انجام دهد و به

وظیفه اش عمل کند.

2 - روئیدن مو

یکی دیگر از علائم بلوغ روئیدن ((مو)) در زیر شکم است .

3 - عادت ماهانه

از نشانه های مهم بلوغ در دختران افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها و لگن خاصره است و سرانجام عادت ماهانه

است . همه این نشانه ها دلیل بر آن است که دختر نوجوان قادر به تولید مثل است و عادت ماهانه پایان رشد سریع

بدنی دختران را اعلام می دارد.

نگاهی به دوران پیش از بلوغ

وقتی انسان به حد تکلیف رسید باید نظری به دوران قبل از بلوغ خود بیندازد تا اگر وظیفه ای از دوران پیش از بلوغ بر

عهده وی آمده آن را انجام دهد.

به چند نمونه توجه کنید:

خمس : اگر بچه خردسالی سرمایه ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، بنابر احتیاط مستحب بعد از آن که بالغ

شد باید خمسش را بدهد.

جبران حقوق مردم : اگر بدون رضایت صاحب مال ، در مال او تصرف کند یا چیزی از اموال او را از بین ببرد و یا چیزی از

اموال دیگران را بردارد، پس از آن که بالغ شد باید خسارتش را بپردازد و یا صاحب آن را راضی کند (اگر ولی شخص نابالغ

صاحب مال را راضی نکرده باشد).

دختر پس از بلوغ می تواند در اموال خود تصرف کند، ولی اگر به حدی از رشد نرسیده که بتواند سود و زیان خود را

بسنجد، هنوز حق تصرف در اموال خود را ندارد و مسؤ ولیت اموال او با پدر و پدر بزرگ (پدری) اوست .

اجتهاد و تقلید

دین اسلام بر اساس اعتقادات صحیح و حق و دستوراتی برای انجام دادن و ترك کردن چیزهایی در زمینه های گوناگون ،

بنا شده است .

در اعتقادات ، تقلید جایز نیست . در اعمال و دستورهای غیر اعتقادی ، اما ضروری دین ، هم تقلید لازم نیست ، ولی در

غیر ضروریات اگر شخص مجتهد باشد، یعنی ، بتواند از روی دلایل شرعی وظیفه خود را تشخیص دهد، باید طبق نظریه

خود عمل کند. در غیر این صورت ، عقل برای او دو راه معین کرده است :

الف (تقلید: یعنی بر طبق فتاوی مجتهدی که واجد شرائط است ، عمل کند.

ب (احتیاط: یعنی با توجه به نظر تمامی و یا گروهی از مجتهدان ، آنچه را مطابق احتیاط می بیند، عمل کند.

چرا در مسائل دینی باید تقلید کنیم

انسان هنگامی که چشم به این جهان می گشاید چیزی نمی داند، ناچار باید از تجارب و از اندوخته های علمی دیگران

بهره مند شود، زیرا پیمودن راه پر پیچ و خم زندگی نیاز به علم و دانش است .

اساساً زندگی روی دو پایه محکم استوار است : ((دانستن)) و ((عمل کردن))

بر مبنای همین اصل نخستین است که انسان زندگی را آغاز می کند، و سپس با کمک غرایز راه و رسم زندگی را آموخته

و در کمال و سعادت به روی او باز می شود و آن غریزه ((تقلید)) است که با منطق صحیح عقل و فطرت همراه است .

بر اساس همین منطق و فطرت است که ما در زندگی روزمره برای ساختن عمارت به معمار و بناء، و در دوختن لباس به

خیاط، و هنگام بیماری به طبیب مراجعه می کنیم .

به هر حال عقل و فطرت ما را در هر رشته ای به کارشناس و متخصص آن ارجاع می دهد.

همچنین بر اساس همین منطق است که در تعلیمات دینی و قوانین الهی مردم به پیروی از فقهای که در تشخیص

احکام الهی مهارت دارند، رهنمون می شوند، فقهای که سالیان طولانی با استعداد سرشار خود در راه علم و دانش

قدم برداشته ، و به مقام شامخ اجتهاد رسیده اند و می توانند قوانین الهی را از مدارك اصلی آن استخراج و استنباط

کنند در دسترس مردم قرار دهند.

فقهای که رهبران و راهنمایان دینی مردم هستند و از طرف پیشوایان الهی اسلام این مقام بزرگ به آنها اعطاء شده

است تا افراد را در تمام شئون دینی رهبری کنند.

شرائط مرجع تقلید**مسئله 1 :**

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید دارای چنین شرایطی باشد: مرد باشد، عاقل باشد، شیعه دوازده امامی باشد، حلال زاده باشد، آزاد باشد، زنده باشد، عادل باشد، و بنابر اظهار از مجتهدان دیگر اعلم باشد و مجتهد اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

راه های شناخت مجتهد اعلم**مسئله 2 :**

مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت :
 الف) خود انسان یقین کند، مثل اینکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد
 ب) آن که دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر، با گفته آنان مخالفت نکنند،
 ج) آن که عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند. بلکه از هر راهی که انسان، اطمینان به اعلم بودن کسی پیدا کند، بنابر اظهار می تواند به همان اکتفا کند.

مسئله 3 :

اگر شناختن اعلم، مشکل باشد و انسان، گمان به اعلم بودن کسی دارد، در صورتی که گمان او به حد اطمینان برسد، باید از او تقلید کند، بلکه اگر اطمینان برای او حاصل نشد، ترجیح کسی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد، بعید نیست .

ولی بهتر این است که در این صورت، به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد. و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگرانند، و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند.

راه های بدست آوردن فتوای مجتهد**مسئله 4 :**

راه های به دست آوردن فتوای مجتهد، عبارت است از:
 الف) شنیدن از خود مجتهد
 ب) شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند
 ج) شنیدن از کسی که مورد اطمینان، و راستگو است
 د) دیدن در رساله مجتهد در صورتی که به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد، بنابر احوط

مسئله 5 :

اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوا دهد، کسی که از او تقلید می کند، نمی تواند در آن مسأله، به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر مجتهد او فتوا ندهد و بفرماید: ((احتیاط آن است که فلان طور عمل شود.)) مثلاً بفرماید: ((احتیاط آن است که در سه مرتبه تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) بگویند))، باید مقلد به این احتیاط - که احتیاط واجب می گویند- عمل کند و سه مرتبه بگوید و یا بنابر احتیاط واجب، از مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر و یا مساوی است، عمل کند، پس اگر او يك مرتبه گفتن را کافی بداند، می تواند يك مرتبه بگوید.

مسئله 6 :

اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله ای فتوا داده، احتیاط کند و مثلاً بفرماید: ((طرف نجس را اگر يك مرتبه در آب کر بشویند، پاک می شود، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند)) مقلد او نمی تواند در آن مسأله، به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، بلکه باید یا به فتوا عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوا- که آن را احتیاط مستحب می گویند- عمل کند.

مسئله 7 :

فقه‌ها، برای تقلید ابتدایی، زنده بودن مجتهد را شرط می دانند، اما اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت، در این که ((آیا می تواند بر تقلید او باقی بماند یا به مجتهد زنده مراجعه کند؟)) مورد اختلاف است. پس اگر کسی در این مسأله، مجتهد بود، طبق نظر خودش عمل می کند و گر نه طبق نظر مجتهد زنده اعلم عمل می کند.

مسئله 8 :

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد

مسئله 9 :

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود عمل کرده است و یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده، یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد و عباداتی را که قبلاً انجام داده، با قصد قربت انجام داده باشد.

استفتائات

1 - آیا باقیماندن بر تقلید میّت، جایز است یا نه .

بسمه تعالی

بنابراقوی جائز است، در آنچه که تقلید در آنها محقق شده است در صورت تساوی میّت و حیّ و اظهار وجوب بقاء است در صورت اعلمیت از حیّ.

2 - آیا عدول از مجتهد حیّ به حیّ، جایز است یا نه .

بسمه تعالی

جایز است ولی احوط ترك عدول است مگر به اعلم و این احتیاط در غیر وقایع متعدده غیرمرتبطه، ترك نشود، و مانند اعلمیت و اورعیت علی الاظهر.

نجاسات

نجاسات ده چیز است :

1 : بول

2 : غائط (مدفوع)

3 : منی

4 : مردار

5 : خون

6 : سگ

7 : خوک

8 : کافر

9 : شراب

10 : فقاغ

مسئله 10 :

بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، یعنی، اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می کند، نجس است . فضلہ حیوانات کوچک ، مثل پشه و مگس که گوشت ندارند، پاک است .

مسئله 11 :

فضلہ پرندگان حرام گوشت ، نجس است و فضلہ خفاش ، بنا بر احتیاط نجس است .

مسئله 12 :

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است ، ولی خون حیوانی که مانند ماهی و پشه ، خون جهنده ندارد پاک می باشد.

مسئله 13 :

خونی که از لای دندان ها می آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است .

مسئله 14 :

خونی که به واسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است و اگر به آن خون می گویند، نجس است .

مسئله 15 :

اگر موقع جوشیدن غذا، ذره ای خون در آن یافتند، تمام غذا و ظرف آن نجس می شود جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده آن نیست .

مسئله 16 :

سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند، همه اجزای آنها حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت آنها نجس است ، ولی سگ و خوک دریایی پاک است .

مسئله 17 :

کسی که منکر خداست یا برای خدا شریک قائل است یا پیامبری حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را قبول ندارد و نیز کسی که ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته باشد، کافر و نجس می باشد و نیز کسی که یکی از ضروریات دین اسلام ، مثل نماز یا روزه را انکار کند با علم به این که ضروری دین است ، نجس می باشد.

مطهرات

پازده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را ((مطهرات)) گویند.

آنها عبارتند از:

1 : آب

2 : زمین

3 : آفتاب

4 : استحاله

5 : کم شدن 23 آب انگور

6 : انتقال

7 : اسلیم

8 : تبعیت

9 : بر طرف شدن عین نجاست از ظاهر حیوان و باطن انسان

10 : استبرای حیوان نجاست خوار

11 : غایب شدن مسلمان

توضیح بعضی از موارد فوق که دارای اهمیت بیشتری است .

اقسام آب

آب جاری

آب کر

مطلق : آب باران

آب قلیل

آب چاه

آب مضاف ،

و آن آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند، مثل آب هندوانه و گلاب و یا با چیزی مخلوط شده باشد، مثل آبی که به قدری با خاک و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند.

آبهای مطلق

آب کر

مسئله 18:

آب کر، بنا بر اقوی مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن (طول و عرض و عمق) هر يك سه وجب است بریزند آن ظرف را پر کند.

وزن آب کر:

745/376 کیلوگرم است .

يك لیتر آب ، برابر با يك کیلو گرم می باشد.

مسئله 19 :

اگر عین نجس (مانند بول ، خون) یا چیزی که نجس شده است به آب کر برسد و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست را بگیرد، نجس می شود و اگر تغییر نکند، نجس نمی شود.

مسئله 20 :

اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد، اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد، پاک است .

آب قلیل**مسئله 21 :**

آب قلیل ، آبی است که از زمین بجوشد و از کر کمتر باشد و آب باران (در حال باریدن) هم نباشد.

مسئله 22 :

اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد، نجس می شود، ولی اگر از بالا با فشار- بلکه با مطلق حرکت - به پایین روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد.

مسئله 23 :

آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجس ، روی چیز نجس می ریزند و از آن جدا گردد، نجس است .

آب جاری**مسئله 24 :**

آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات .

مسئله 25 :

آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده ، پاک است .

آب باران**مسئله 26 :**

اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست ، يك مرتبه باران ببارد، جایی که باران به آن برسد پاک می شود و در فرش و لباس و مانند اینها، فشار لازم نیست ، ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه بنا بر احوط طوری باشد که بگویند باران می آید و به حد جریان برسد، و اگر زمین طوری است که آب در آن جریان پیدا نمی کند، کافی است به حدی ببارد که اگر زمین سخت بود بر آن جاری می شد.

آب چاه**مسئله 27 :**

آب چاهی که از زمین می جوشد، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده ، پاک است .

آب مضاف**مسئله 28 :**

آب مضاف ، چیز نجس را پاک نمی کند و وضو و غسل هم با آن باطل است .

مسئله 29 :

آب مضاف هر قدر زیاد باشد، اگر ذره ای نجاست به آن برسد، نجس می شود.

آب**مسئله 30 :**

آب ، با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند.

اول :

مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، چیز نجس را پاک نمی کند.

دوم :

پاک باشد

سوم :

وقتی چیز نجس را می شویند آب مضاف نشود

چهارم :

بعد از آب کشیدن چیز نجس ، عین نجاست با چیزی که نجس شده و پاک نشده است ، در آن نباشد

مسئله 31 :

ظرفی که به غیر بول نجس شده ، اگر يك مرتبه شسته شود، پاک می شود، حتی اگر با آب قلیل باشد بنا بر اقوی ، ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ، آب یا چیز روان دیگر خورده ، اظهر این است که اگر با خاک ممزوج به آب ، خاک مالی شود و بعد از آن دو مرتبه با آب قلیل یا يك مرتبه با آب کر یا جاری شسته شود، کافی است .

مسئله 32 :

ظرفی را که به غیر بول نجس شده ، با آب قلیل به دو صورت می توان آب کشید:

اول :

آن که بنا بر اقوی يك مرتبه از آب پر کنند و خالی کنند

دوم :

يك دفعه ، قدری آب در آن بریزند و آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند. و اگر به بول نجس شده باشد، این کار را دوبار انجام دهند.

مسئله 33 :

اگر چیز نجس را بعد از بر طرف کردن عین نجاست ، يك مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاك می شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها اگر با آب قلیل شسته شود، طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن ، خارج شود.

مسئله 34 :

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده ، با آب قلیل آب بکشند، چنانچه يك مرتبه آب روی آب بریزند و از آن جدا شود و در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، يك مرتبه دیگر آب روی آن بریزند پاك می شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه ، فشار دهند تا غساله آن بیرون آید.

مسئله 35 :

هر چیز نجس ، تا عین نجاست را از آن بر طرف نکنند، پاك نمی شود.

مسئله 36 :

اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آنجا، نجس می شود، با پاك شده جای نجس ، پاك می شود،

مسئله 37 :

چیزی را که در آن عین نجاست نیست ، اگر زیر شیری که متصل به کر است ، يك دفعه بشویند، پاك می شود.

زمین**مسئله 38 :**

زمین ، با سه شرط، کف پا و ته کفش را پاك می کند:

1 : آن که زمین ، بنا بر احوط، از عین نجاست و آنچه در حکم نجاست است ، پاك باشد

2 : آن که خشك باشد

3 : آن که اگر عین نجس مثل خون و بول یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا یا ته کفش باشد، بواسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین یا به هر سبب دیگری بر طرف شود. با راه رفتن روی فرش ، حصیر و سبزه ، کف پا و ته کفش نجس پاك نمی شود.

آفتاب**مسئله 39 :**

آفتاب ، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره ، در ساختمان به کار برده شده و نیز میخی را که به دیوار کوبیده اند با پنج شرط پاك می کند:

1 : چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود، پس اگر خشك باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشك کند

2 : اگر عین نجاست : در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب آن را بر طرف کنند،

3 : چیزی مثل پرده یا ابر، از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند

4 : آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشك کند، مثلاً اگر چیز نجس ، به واسطه باد و آفتاب خشك شود، پاك نمی گردد.

5 : آفتاب ، مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته ، يك مرتبه خشك کند، یعنی ، اگر آفتاب يك مرتبه روی ساختمان را خشك کند و مرتبه دیگر زیر آن را خشك کند، روی ساختمان پاك و زیر آن نجس است .

نکاتی در مورد طهارت و نجاست

1 : تا یقین به نجاست چیزی نداشته باشیم ، آن چیز پاك است . مثلاً اگر به خانه کسی برویم و او بچه دار بوده و نسبت به نجاست هم اعتنایی نداشته باشد همه منزل و لوازم آن پاك است ، چون یقین بر نجاست آن مکان نداریم و طهارت و نجاست با یقین ثابت می شود.

2 : وسواس داشتن : در مورد نجاست دلیل نمی شود که آن چیز نجس باشد. وسواس داشتن . بعضی خانمها در

طهارت و نجاست وسواس دارند. این وسواس يك نوع بیماری است و چنانچه که از نامش پیداست وسوسه شیطان

است . اما اگر شخص اراده کند، به راحتی قابل درمان است . شکل وسوسه اینطور است که مثلاً چیزی نجس شده این خانم آن را يك بار شست و شو می دهد، اما دوباره وسوسه می شود که آیا پاك شده یا نه لذا دوباره می شویند. این کار

تا چند نوبت تکرار می شود. احیاناً اگر دست کسی به لباس ها خورد باز وسوسه می شود که دوباره آن چیز نجس شده است . این حالت روحی ، فاجعه ای است که دین و دنیا و راحتی و آسایش مادی و معنوی را يك جا با هم می سوزاند.

راه شرعی و بهداشتی آن ، همان بود که قبلاً متذکر شدیم .

3 : اگر قسمتی از چیزی نجس شود دلیل بر نجاست همه آن نمی شود.

اگر قسمتی از فرش نجس شده باشد در این جا دو حالت دارد:

1 - اگر خیس باشد، انسان نمی تواند دست یا پا روی آن بگذارد چون به محض ملاقات با نجس ، نجس می شود.

2 - اگر خشك شده باشد، انسان می تواند با دست یا پا روی آن بگذارد، به شرطی که دست یا پایش رطوبت نداشته باشد.

اگر قسمتی از فرش نجس باشد آیا انسان می تواند روی قسمت های دیگر آن که نجس نیست نماز بخواند؟ بله می

تواند روی قسمت های دیگر فرش نماز بخواند، چون نجس بودن قسمتی از فرش نجس ، بقیه را نجس نمی کند.

گاهی لباس انسان با خون نجس می شود. اصل نجاست با شستن پاك می شود. این را هم اضافه کنیم که اگر لکه یا اثر آن خون باقی بماند آن لباس پاك است .

استفتائات

1 - اشیاء متنجسه مثل لباس و غیره اگر با آب قلیل یا کر و یا جاری شسته شود آیا فشار دادن لازم است یا نه .
بسمه تعالی

- در آب قلیل لازم است علی الاحوط و در غیر آن به احتیاط مستحب لازم است .
- 2 - چیزهایی که قابل فشار نیست مثل چوب و برنج و گندم و امثال ذلك هرگاه نجس شوند یعنی آب نجس به خوف آنها برود تطهیرشان چگونه است .
بسمه تعالی
- با شستن ، تطهیر ظاهر آنها می شود، اما تطهیر باطن آنها مشکل است مگر آنکه علم به نفوذ آب کُر یا جاری در خوف آنها حاصل شود با مجرد خیساندن در آب ، و آن هم به دو شرط:
- 1 - اینکه آن اشیاء خشکانده شود. قبل از اینکه در آب گذاشته شود.
2 - آب مطلق به داخل آنها نفوذ کند نه آب مضاف .
3 - بخار یا دود یا شعله ای که از نجس یا متنجس بریزد پاک است یا نه .
بسمه تعالی
- بخار و دود و شعله ای که از چیز نجس یا متنجس برمی خیزد پاک است ولی اگر بخار به صورت عرق و مایع در آید چه از نجس باشد و چه از متنجس ، نجس است ، و نیز بنا بر احتیاط واجب باید از ذرات چربی و روغنی که از دود نجس و متنجس حاصل می شود و بر سطوح مجاور آن می نشیند اجتناب شود.
- 4 - بعد از جدا شدن غسله به نحو متعارف ، رطوبت و آبی که باقی می ماند در محل پاک است یا نه .
بسمه تعالی
- بله پاک است .
- 5 - اگر کسی شك داشته باشد در انگور بودن و غوره بودن آیا عصیر چنین چیزی ، به مجرد جوش آمدن ، حرام و نجس می شود یا نه :
بسمه تعالی
- نجس و حرام نمی شود.
- 6 - آب انگور که به جوش بیاید پیش از بخار شدن دو ثلث آن ، چیزی از اقسام به ، سیب یا کدو و مانند آن در او بیندازند چه صورتی دارد.
بسمه تعالی
- اقوی و احوط نجاست آن است و اظهر و احوط تعمیم حکم است به غلیان به غیر نار، و اظهر طهارت مطروح در آنست به تبعیت بعد از تثلیث .
- 7 - هرگاه کشمش و خرما را در میان آش یا طعامهای دیگر بجوشانند یعنی مغز آن به جوش آید چه صورتی دارد:
بسمه تعالی
- هنگامیکه به جوش بیاید ظاهر خرما و کشمش در روغن یا مثل آن پس احوط اجتناب است از جهت خوردن و آشامیدن و از حیث طهارت و نجاست خواه علم به جوش آمدن باطن آن حاصل شود یا نشود.
- 8 - اگر خرمائی نارس در طبخ به جوش آید حکمش چیست .
بسمه تعالی
- پاک و حلال است .
- 9 - جمعی طعام می خورند، یکی از آنها فَصْلَه موشی در آن طعام دید آیا واجب است دیگران را بگویند یا نه :
بسمه تعالی
- واجب نیست به آنها بگویند اما خودش نخورد، اگر بعد احتیاج به مباشرت آنها را داشت اعلام کند و هر چه نجس شده تطهیرش کنند.
- 10 - حناء نجس را اگر به ریش یا به سر بمالد حکمش چیست .
بسمه تعالی
- بعد از شستن ریش و سر، رنگ آن پاک است و آنچه از اجزاء کوچکش باقی می ماند بعد از شستن ظاهر آن پاک است .
- 11 - اگر به ناخن کسی سنگی یا چیز دیگری بخورد و خون در زیرش بمیرد و بعد سوراخی پیدا شود آیا آن خون پاک است یا نه .
بسمه تعالی
- اگر خون استحاله شده است پاک است و اگر صدق خون می کند، نجس است و همچنین در غیر ناخن .
- 12 - اگر طفل شیرخوار پسر یا دختر به جای شیر، شیرخشک مصرف می کنند و هنوز غذاخور نشده اند، به جانی بول بکنند مثل فرش ، لباس ، زمین و امثال ذلك حکمش چیست .
بسمه تعالی
- در صورتی که طفل شیرخوار پسر باشد و هنوز غذاخور نشده و شیر خنزیر و کافر هم نخورد باشد بلکه علی الاحوط شیر نجس هم نخورده باشد با ریختن آبی که بر بول او غلبه نماید در تطهیر آن کافی است و حکم در غیر پسر مبنی بر احتیاط است و شیرخشک در حکم غذاست و حکم مذکور در بول پسری که شیرخشک می خورد جاری نمی شود.
- وضو**
- نماز گزار، برای اقامه نماز باید وضو بگیرد و در بعضی از موارد باید غسل کند، پس اگر نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن کار دیگری به نام تیمم انجام دهد.
- مسئله 40 :**
- در وضو واجب است که با نیت ، صورت و دست ها را بشویند و جلو سر و روی پاها را مسح کنند.
- مسئله 41 :**
- درازای صورت باید از بالای پیشانی ، جایی که موی سر بیرون می آید، تا آخر چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست (انگشت بزرگ) قرار می گیرد باید شسته شود و اگر کمی از این مقدار ذکر شده را نشوید، وضو باطل است .
- اگر می خواهید یقین کند که مقدار واجب را شسته است ، باید اطراف آن را هم بشوید.
- مسئله 42 :**

- اگر احتمال دهد چرك يا چيز ديگري در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو یا وقت شستن ، آنها را واریسی کند که اگر هست برطرف کند.
- مسئله 43 :**
اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، علاوه بر شستن ظاهر موها، بنابر احوط باید آب را به پوست هم برساند، اگر پیدا نباشد، شستن ظاهر مو کافی است و رساندن آب ، به زیر آن لازم نیست .
- مسئله 44 :**
شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که وقت بستن دیده نمی شود، واجب نیست .
- مسئله 45 :**
باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است .
- مسئله 46 :**
بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت ها بشوید، به طوری که تمام دست ها شسته شود.
- مسئله 47 :**
برای این که یقین کند آرنج را کاملاً شسته ، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.
- مسئله 48 :**
کسی که پیش از شستن صورت ، دست های خود را تا مچ شسته ، در موقع شستن دست ها برای وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است .
- مسئله 49 :**
در وضو، شستن صورت و دست ها بار اول : واجب ، بار دوم : مستحب ، بار سوم : حرام است . مقصود از هر بار شستن تمام عضو است و لو اینکه در هر مرتبه شستن چند مرتبه آب بریزد.
- مسئله 50 :**
بعد از شستن هر دو دست ، باید جلوی سر را با تری آب وضو، که در دست مانده ، مسح کند. اگر تری در کف دست مانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو، رطوبت بگیرد و با آن ، مسح کند، و بنابر احتیاط باید اول از تری موی ریش و ابرو کمک بگیرد و اگر در آنها تری نبود، از دست ها رطوبت بگیرد. و بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین مسح کند.
- مسئله 51 :**
يك قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است ، جای مسح می باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است .
- مسئله 52 :**
لازم نیست مسح سر، بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است ، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر شانه کند، به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده ، پوست سر را مسح کند.
- مسئله 53 :**
بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.
- مسئله 54 :**
در مسح سر و روی پا، باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل می شود، البته مختصر حرکت سر و پاها هنگام مسح اشکال ندارد.
- مسئله 55 :**
جای مسح باید خشك باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، مسح باطل است .
- شرائط وضو**
- مسئله 56 :**
شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است :
- 1 : آب وضو پاك باشد
 - 2 : آب وضو مطلق باشد، مثل آب چاه یا آب جاری یا آب شیر لوله کشی یا آب چشمه
 - 3 : آب وضو عصبی نباشد
 - 4 : طرف آب وضو مباح باشد(طرف عصبی نباشد)
 - 5 : طرف آب وضو طلا و نقره نباشد
 - 6 : اعضای وضو، موقع شستن و مسح کردن ، پاك باشد
 - 7 : وقت برای وضو و نماز کافی باشد
 - 8 : به قصد قربت وضو بگیرد
 - 9 : ترتیب را رعایت کند
 - 10 : موالات ، یعنی پی در پی و پشت سر هم اعمال وضو را انجام بدهد
 - 11 : مباشرت در اعمال وضو، یعنی خودش اعمال وضو را انجام داده و دیگری به او کمک نکند
 - 12 : استعمال آب برای او ضرر نداشته باشد
 - 13 : در اعضای وضو، مانعی از رسیدن آب نباشد.
- وضوهای واجب و مستحب**
- مسئله 57 :**
وضو گرفتن برای شش چیز واجب است :
- 1 : برای نمازهای واجب ، غیر از نماز میت
 - 2 : برای سجده و تشهد فراموش شده ، در صورتی که بین آنها و نماز حدثنی از او سر زده ، مثلاً بول کرده باشد. و بنابر

- احتیاط برای سجده سهو.
- 3 : برای طواف واجب خانه کعبه
- 4 : اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد
- 5 : اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند
- 6 : برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن ، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند.

مستحب است انسان برای امور زیر وضو بگیرد:

- 1 - برای نماز میت
- 2 - زیارت اهل قبور
- 3 - رفتن به مسجد و حرم ائمه علیهم السلام
- 4 - برای همراه داشتن و خواندن و نوشتن قرآن
- 5 - برای مسح حاشیه قرآن
- 6 - برای خوابیدن
- 7 - وضوی تجدیدی ، یعنی کسی که وضو دارد، دوباره وضو بگیرد.

مسئله 58 :

مسح کردن خط قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن ، برای کسی که وضو ندارد حرام است ، ولی تماس موی انسان با خط قرآن ، بنا بر اظهر مانعی ندارد و اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مسح آن اشکال ندارد.

مسئله 59 :

کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند را به هر زبانی که نوشته شده باشد، مسح کند و احتیاط واجب آن است که اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را هم مسح نکند.

مبطلات وضو

مسئله 60 :

هفت چیز وضو را باطل می کند:

- 1 - بول
- 2 - غائط (مدفوع)
- 3 - باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می شود
- 4 - خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود
- 5 - چیزی که عقل را از بین می برد (دیوانگی ، مستی ، بیهوشی)
- 6 - استحاضه
- 7 - جنابت و بنا بر احوط مس میت .

وضوی جبیره ای

معنای جبیره

مسئله 61 :

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند، جبیره نامیده می شود.

مسئله 62 :

اگر در یکی از جاهای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت .

مسئله 63 :

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست ها باشد و روی آن باز بوده و آب ریختن به کمترین مقدار و شستن روی آن ضرر دارد بنا بر احتیاط واجب دست تر بر آن بکشد و بعد احتیاطاً پارچه پاکی روی آن گذاشته و دست تر را روی پارچه هم بکشد.

اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید، باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط واجب ، پارچه پاکی روی زخم گذاشته و دست تر روی آن بکشد.

مسئله 64 :

اگر زخم یا دمل یا شکستگی ، در جلوی سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند. اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو احتیاطاً تیمم نماید.

استفتائات

- 1 - چه مقدار مسح جلوی سر کافی است .
بسمه تعالی
- آنکه در عرف مسح بنامند و احوط مقدار سه انگشت است از حیث طول و عرض .
- 2 - آیا در مسح ما بین زنان و مردان فرق است یا نه .
بسمه تعالی
- فرقی نیست ، لکن مستحبّ موکّد است برای زنان در مسح وضو به جهت نماز صبح ، برداشتن چیزی که سر خود را به آن پوشیده اند، و کمتر از این است در تاكّد استحباب ، به جهت نماز مغرب ، و مجزی است او را در سایر نمازها داخل نمودن انگشت خود را زیر مقنعه و نحو آن .
- 3 - آیا تکرار مسح ، موجب بطلان وضو می شود یا نه .

بسمه تعالی

بعد از خشك كردن محل مسح ضرر ندارد خصوصاً اگر به جهت رعایت احتیاط باشد در تحقق مسح شرعی ، لکن موجب معصیت است اگر به قصد مشروعیت باشد.

4 - اگر کسی سهواً یا جهلاً، با آب غصبی وضوء بگیرد، صحیح است یا نه .
بسمه تعالی

بله وضوء صحیح است ، اما قیمت آن آب را ضامن است .

5 - اگر شخصی با آب نجس سهواً، جهلاً، نیتاً یا غفلاً وضوء گرفت حکمش چیست .
بسمه تعالی

وضوء آن شخص باطل است و برای وضوء مجدد باید جاهای نجس را تطهیر کند.

6 - اگر جبیره نجس باشد و چیزی هم نباشد که بر روی آن بگذارد حکمش چیست :
بسمه تعالی

در جایگاه و محل شستن جبیره باید اطرافش را بشوید با مراعات از بالا به پایین بوده و در محل مسح جبیره دو طرفش را مسح نماید و مراعات طول در حین مسح بشود و اءقوی کفایت وضوء مذکور است و احوط ضم تیمم است .

7 - اگر کسی بعد از نماز شك می کند که آیا وضوء داشته یا نه وظیفه اش چیست .
بسمه تعالی

بناء را بر صحت عمل می گذارد و لکن از برای نماز بعد، وضوء بسازد.

8 - اگر شخصی یقین در حدث و شك در وضوء داشته باشد تکلیفش چیست .
بسمه تعالی

باید وضوء بگیرد.

9 - اگر شخصی یقین در وضوء دارد و شك در حدث تکلیفش چیست .
بسمه تعالی

بناء را بر طهارت می گذارد. در صورتی که شك در حدث ، ناشی از خروج رطوبت مشتبه به بول قبل از استبراء که محکوم به بولیت است نباشد.

غسل

غسل های واجب هفت قسم است :

1 - غسل جنابت

2 - غسل حیض

3 - غسل نفاس

4 - غسل استحاضه

5 - غسل مین میت

6 - غسل میت

7 - غسل نذر و قسم .

احکام جنابت

مسئله 65 :

به دو چیز انسان جنب می شود:

اول : جماع

دوم : بیرون آمدن منی ، چه در خواب باشد و چه در بیداری ، با اختیار باشد یا بی اختیار، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت .

مسئله 66 :

اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده ، آن رطوبت ، حکم منی را دارد و اگر هیچ يك از این نشانه های بالا را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.

و در مریض لازم نیست آن آب ، با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است بنابراین رطوبت، و همچنین در زن مریض بنابراین رطوبت، و لازم نیست بدن او سست شود، بلکه خالی از وجه نیست که حکم زن در صحت و مرض مانند مرد باشد.

مسئله 67 :

مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی ، بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.

مسئله 68 :

اگر کسی در قبل زن جماع کند و به اندازه ختنه گاه داخل شود هر دو جنب می شوند و همچنین است بنابراین اگر در دبر زن نزدیکی کند.

مسئله 69 :

اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شك کند که منی از او بیرون آمده یا نه ، غسل بر او واجب نیست و همچنین است اگر خواب ببیند که محتمل شده ولی بعد از بیدار شدن اثر از منی نبیند.

مسئله 70 :

هرگاه بعد از غسل ، منی مرد از زن خارج شود غسل واجب نیست و همچنین است اگر شك کند که منی بیرون آمده از خود اوست یا از مرد، اما اگر علم یا اطمینان داشت باشد که منی خارج شده از خود اوست و یا مخلوط با منی مرد است ، غسل بر او واجب است .

مسئله 71 :

کسی که نمی تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است ، بعد از داخل شدن وقت نماز هم می تواند با عیال خود

نزدیکی کند.

کارهای حرام بر جنب

مسئله 72 :

کارهایی که بر جنب حرام است ، عبارت است از:

- 1 - رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و بنا بر احتیاط به اسم پیامبران و امامان علیهم السلام و اسم حضرت زهرا علیها السلام
- 2 - رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله اگر چه از يك در داخل و از در دیگر خارج شود و بنا بر احتیاط واجب توقف و عبور در حرم امامان علیهم السلام و رواقها
- 3 - توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از يك در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد، و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند بلکه عبور نیز ننماید و همچنین در رواق ها.
- 4 - گذاشتن چیزی در مسجد
- 5 - خواندن سوره ای که سجده واجب دارد

و آن چهار سوره است :

1 - سجده (سوره 32)

2 - فصلت (سوره 41)

3 - نجم (سوره 53)

4 - علق (سوره 96).

غسل جنابت

مسئله 73 :

غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست .

مسئله 74 :

غسل را چه واجب باشد و چه مستحب ، به دو صورت می شود انجام داد. ترتیبی و ارتماسی ، و غسل ترتیبی افضل از ارتماسی است .

غسل ترتیبی

مسئله 75 :

در غسل ترتیبی باید به نیت غسل ، اول سر و گردن ، بعد طرف راست ، بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به سبب ندانستن مسأله ، به این ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است . ولی چنانچه قصد قریت داشته ، آنچه را که مقدم داشته اگر اعاده کند، غسل او صحیح است . و احتیاط واجب رعایت ترتیب در هر عضو از غسل ترتیبی است ، به این صورت که از بالا شروع کند و به قسمت های پایین عضو ختم کند.

مسئله 76 :

نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید.

مسئله 77 :

برای آن که یقین کند هر سه قسمت یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً شسته ، باید هر قسمتی را که می شوی مقدار از قسمت های دیگر را هم با آن قسمت بشوید.

مسئله 78 :

اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند.

غسل ارتماسی

مسئله 79 :

در غسل ارتماسی ، اگر چه نیت غسل ارتماسی ، به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که از اول فرو رفتن در آب ، نیت غسل کردن را داشته باشد به آنچه غسل ارتماسی با آن محقق و تمام می شود، اظهار، کفایت نیت در حال فرو رفتن مجموع بدن در آب است .

مسئله 80 :

در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل ، بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است .

احکام غسل

مسئله 81 :

در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد مگر این که در آن واحد هم بدن پاک شود و هم غسل انجام بگیرد. در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن ، لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است ، پاک بودن تمام بدن ، قبل از شروع در غسل مطلقاً موافق احتیاط است .

مسئله 82 :

اگر در غسل ، مقداری از بدن نشسته بماند، غسل باطل است ، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود مثل داخل گوش و بینی ، واجب نیست .

مسئله 83 :

در موقع غسل کردن ، لزوم شستن موهای کوتاه که پوست از لای آنها دیده می شود، خالی از قوت نیست ، ولی موهای بلند لازم نیست .

مسئله 84 :

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب ، در صحیح بودن غسل هم شرط است . در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، اما در ترتیبی ، احوط است . و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت ، فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن ، مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی ، طرف چپ را بشوید، اشکال ندارد.

مسئله 85 :

کسی که غسل جنابت کرده ، نباید برای نماز، وضو بگیرد، ولی در غسل های دیگر، برای نماز باید وضو بگیرد.

مسئله 86 :

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است ، باید برطرف کند.

غسلهای اختصاصی بانوان

خونهای سه گانه :

1 : استحاضه

2 : حیض

3 : نفاس

استحاضه

تعریف استحاضه :

استحاضه از خونهایی که از زن خارج می شود، خون استحاضه است و زن را در وقت دیدن این خون ((مستحاضه)) می گویند

علائم خون استحاضه :

غالباً زرد رنگ و سرد و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و ممکن است گاهی بر خلاف اوصاف مذکور باشد.

اقسام استحاضه :

1 - قلیله

2 - متوسطه

3 - کثیره

استحاضه قلیله

آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می نماید نفوذ نکند.

استحاضه متوسطه

آن است که خون در پنبه فرو رود ولی از آن نگذرد.

استحاضه کثیره

آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود.

مسئله 87 :

وظیفه مستحاضه قلیله

در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز يك وضو بگیرد و بنابر احتیاط پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

مسئله 88 :

وظیفه مستحاضه متوسطه

در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود بنابر احتیاط واجب پنبه را اگر خونی شده عوض کند یا آب بکشد و همچنین ظاهر فرج ، اگر نجس شده است . و وجوب وضو برای هر نماز در این صورت خالی از وجه نیست ، و این در صورتی است که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود. ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین ترتیب پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شده باید برای آن غسل کند، و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند.

و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید چه آنکه خون بیاید یا قطع شده باشد.

مسئله 89 :

وظیفه مستحاضه کثیره

در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند یا آب بکشد و يك غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء بجا آورد. و بنابر احتیاط واجب با هر غسلی يك وضو بگیرد، بلکه برای نماز عصر و نماز عشاء نیز باید بنابر احتیاط واجب وضو بگیرد و همچنین باید بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد. و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشاء فاصله بیندازد باید برای نماز عشاء دوباره غسل نماید.

مسئله 90 :

اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون ، وضو و غسل را انجام داده باشد باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد.

مسئله 91 :

اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

مسئله 92 :

اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر يك غسل و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری بجا آورد.

و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

مسئله 93 :

زن مستحاضه بعد از آن که خونسش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست .

مسئله 94 :

اگر زن نداند استحاضه از چه قسم است ، در صورت امکان باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام يك از آن سه قسم است ، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شد انجام دهد.

مسئله 95 :

زن مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را واریسی کند، مشغول نماز شود، با اینکه می توانسته خود را واریسی کند چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده ، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده ، نماز او باطل است .

مسئله 96 :

زن مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید، بنا بر احوط به آنچه مشکل تر است عمل کند، مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه ، باید کارهای استحاضه متوسطه را بنا بر احوط انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه کثیره را بنا بر احوط انجام دهد ولی اگر بداند سابقاً کدام يك از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم عمل کند.

مسئله 97 :

زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی آید می تواند خواندن نماز را تاخیر بیندازد.

مسئله 98 :

مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی کاملاً از خون پاک شد باید غسل کند ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز قبلی مشغول غسل شده دیگر خون نیامده ، لازم نیست دوباره غسل کند.

مسئله 99 :

زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست .

مسئله 100 :

زن مستحاضه باید موقع غسل و وضو و بعد از آن تا آخر نماز خود را از بیرون آمدن خون (در صورتی که برای او ضرر نداشته باشد) حفظ کند و اگر مسامحه کرد و خونی خارج شد بنا بر احتیاط هر چه بجا آورده از غسل یا وضو یا نماز، دو مرتبه انجام دهد.

مسئله 101 :

اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد.

مسئله 102 :

اگر استحاضه کثیره ، قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را انجام دهد و نیز اگر استحاضه متوسطه ، قلیله شود باید برای نماز اول ، عمل متوسطه و برای نمازهای بعدی قلیله را بجا آورد.

مسئله 103 :

اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد و اگر استحاضه متوسطه کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد.

حیض

تعریف

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض ، ((حائض)) می گویند

علائم خون حیض :

خون حیض در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.

مسئله 104 :

زنهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند، یعنی خون حیض نمی بینند، و زنهایی که سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند.

مسئله 105 :

خونی که دختر پیش از تمام شدن ١٥ سال می بیند، در صورتی که معلوم باشد ١٥ سال او تمام نشده است و علامت و نشانه دیگری غیر از سن ، بر بلوغ او نباشد و همچنین خونی که زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست .

مسئله 106 :

زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد ممکن است حیض ببیند بنا بر اقوی ، ولی اگر بیست روز از ایام عادت دیرتر بود هم وظیفه حائض و هم مستحاضه را احتیاطاً انجام دهد.

مسئله 107 :

اگر دختری نمی داند که ١٥ سالش تمام شده یا نه و خونی دید که یقین کرد خون حیض است باید آن را خون حیض قرار دهد.

مسئله 108 :

زنی که شك دارد یائسه شده یا نه اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده است .

مسئله 109 :

مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست .

مسئله 110 :

باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست .

مسئله 111 :

اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود تمام این مدت را حیض قرار می دهد.

مسئله 112 :

اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم ، اگر قبلاً حیض بوده ، یعنی خون حیض دیده و ممکن است این خون دنباله آن باشد، حیض است لیکن اظهار خروج از چپ برای حیض و خروج از طرف راست برای زخم است ، و با عدم امکان واریسی عمل به حالت سابقه می نماید و اگر پاک بوده وظیفه ای نسبت به حیض ندارد.

مسئله 113 :

اگر خونی ببیند و شك کند که خون حیض است یا خون نفاس اگر در ایام عادت زن باشد آن را خون حیض قرار می دهد و گر نه باید به وظیفه ای که مشترك بین حیض و نفاس است عمل کند، یعنی لازم نیست آنچه بر حائض واجب است ولی بر نفساء واجب نیست و آنچه بر نفساء واجب است و بر حائض واجب نیست بجا آورد. گرچه انجام دادن مجموع وظایف حائض و وظایف نفساء مطابق احتیاط است بلکه این احتیاط در صورت امکان ترك نشود و در صورت عدم امکان احتیاط، مخالفت قطعیه ننماید.

مسئله 114 :

اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت ، ولی احتمال خون دیگری مثل خون جراحت و زخم را هم نمی دهد باید خود را واریسی کند یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده ، حیض می باشد.

البته باید خون زیاد نباشد تا به وسیله فوق بتواند بین خون حیض و بکارت فرق بگذارد و در صورت عدم امکان تشخیص و عدم حصول یقین ، در ایام عادت حکم به حیض بودن می کند و گر نه عمل به حالت سابقه می نماید.

مسئله 115 :

اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند، خون دوم حیض است و خون اول اگرچه در روزهای عادتش باشد حیض نیست .

مسئله 116 :

اگر حائض پاک شد و بعد از گذشتن ده روز یا بیشتر، دوباره خون دید اگر از سه روز بیشتر طول بکشد ولی از ده روز بیشتر نباشد و سایر شرایط حیض را داشته باشد، خون دوم نیز حیض است .

مسئله 117 :

اگر زنی بیش از سه روز خون دید و ده روز یا کمتر از آن پاک شد، چنانچه نمی داند خون زخم و جراحت است یا نه ، اگر در ایام عادت زن باشد یا اینکه شرایط حیض را داشته باشد آن را خون حیض قرار دهد.

اقسام زنهای حائض

مسئله 118 :

زنهای حائض بر شش قسمند:

- 1 - صاحب عادت وقتیه و عددیه
- 2 - صاحب عادت وقتیه
- 3 - صاحب عادت عددیه
- 4 - مضطربه
- 5 - مبتدئه
- 6 - ناسیه

تعریف عادت وقتیه و عددیه

آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه يك اندازه باشد مثل آنکه دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم آن خون ببیند.

تعریف صاحب عادت وقتیه

آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه يك اندازه نباشد. مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

تعریف صاحب عادت عددیه

آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم به يك اندازه باشد ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد. مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

تعریف مضطربه

آن زنی است که چند ماه خون دیده ، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است .

تعریف مبتدئه

آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است .

تعریف ناسیه

آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است .

احکام زنهای حائض

مسئله 119 :

زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون ، نشانه های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای زن

حائض گفته می شود عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

مسئله 120 :

زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را نداشته باشد حیض است و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد.

مسئله 121 :

زنی که عادت وقتیه دارد اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای زنهای حائض گفته می شود عمل نماید. و اگر بعد بفهمد حیض نبوده مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود باید عبادت‌هایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

مسئله 122 :

زنی که عادت عددیه دارد اگر بیشتر از شماره عادت خود، خون ببیند و از ده روز بیشتر شود چنانچه همه خون‌هایی که دیده يك جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر همه خون‌هایی که دیده يك جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او يك اندازه است باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیشتر است فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله 123 :

مضطربه (زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده) اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده يك جور باشد. چنانچه عادت خویشان او مشخص است آن مقدار را برای خود حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد.

مسئله 124 :

مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد بنابر احتیاط تا هفت روز را حیض قرار دهد.

مسئله 125 :

مبتدئه، یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده يك جور باشد باید عادت خویشان خود را به طوری که در مضطربه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله 126 :

مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید از اول خون اول که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله 127 :

مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد حیض قرار دهد و در عدد به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله 128 :

ناسیه، یعنی زنی که وقت و عدد عادت خود را فراموش کرده است اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی را که خون او نشانه حیض دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. مگر اینکه بداند به طور مسلم در روزهای اول حیض نمی شده است که در آن صورت بعد از آن روزها را باید حیض قرار دهد و اگر ظن اطمینانی پیدا کرد که ایام عادتش مثل خویشان خود است عادت آنها را برای خود انتخاب می کند.

احکام حائض

مسئله 129 :

- چند چیز بر حائض حرام است
- 1 - عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود. ولی بجا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.
 - 2 - تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.
 - 3 - جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

مسئله 130 :

جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که قبلاً ذکر شده روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد. شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسئله 131 :

اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن با زن خود در قُبُل جماع کند، باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد. و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.

مسئله 132 :

طلاق دادن زن در حال حیض ، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است .

مسئله 133 :

اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاك شده ام باید حرف او را قبول کرد، مگر اینکه اطمینان پیدا شود که دروغ می گوید.

مسئله 134 :

اگر زن در بین نماز حائض شود نماز او باطل است .

مسئله 135 :

بعد از آنکه زن از خون حیض پاك شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است ، ولی بنا بر اظهر برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است .

مسئله 136 :

نمازهای یومیه ای که زن در حال حیض نخوانده ، قضا ندارد ولی روزه های واجب را باید قضا نماید.

مسئله 137 :

اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است باید نماز و روزه ای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید و اگر چند روز را به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند بعد بفهمد حیض بوده ، چنانچه آن روزها روزهایی بوده که باید روزه می گرفته ، واجب است قضا نماید.

نفاس (خون ولادت)**تعریف نفاس**

وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است و زن را در حال نفاس ((نفساء)) می گویند.

مسئله 138 :

خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند نفاس نیست .

مسئله 139 :

لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می ماند انسان می شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است بنا بر احوط.

مسئله 140 :

ممکن است خون نفاس يك لحظه بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.

مسئله 141 :

توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب ، مستحب ، و مکروه است ، بر نفساء هم واجب ، مستحب ، و مکروه می باشد.

مسئله 142 :

طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد. و اگر شوهرش با او نزدیکی کند احتیاط واجب آن است که به دستوری که در احکام حیض (مسئله 131) گفته شد کفاره بدهد.

مسئله 143 :

وقتی زن از خون نفاس پاك شد باید غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد و اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاك بوده روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاك بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید.

مسئله 144 :

اگر زن از خون نفاس پاك شود و احتمال بدهد که در باطن خون هست ، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید که اگر پاك است ، برای عبادت‌های خود غسل کند.

مسئله 145 :

اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است . و اگر عادت ندارد، تا ده روز بنا بر اظهر نفاس و بقیه استحاضه می باشد. و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت ندارد از روز بعد از عادت و کسی ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان ، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترك کند.

مسئله 146 :

زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است ، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند در صورتی که از ده روز بیشتر نشود بنا بر اظهر تمام آن مدت را نفاس قرار می دهد.

استفتائات

1 - آیا استبراء در حق زنان ثابت است یا نه .

بسمه تعالی

استبراء در حق زنان ثابت نیست ، و سزاوار است که بعد از بول ، فی الجمله آرام گیرند و تنجیح نمایند و فرج خود را به طرف عرض ، فشار دهند و رطوبت مشکوکی که از زنها خارج می شود پاك است ، مطلقاً و ناقص طهارت نیست . اگرچه رعایت امور مزبوره را ننماید.

2 - هرگاه خون حیض ، مشتمبه به خون بکارت شود، شناختن آن به چه طریق است .

بسمه تعالی

در تشخیص و شناختن آن ، باید قدری پنبه ، داخل در فرج کند و قدری صبر نماید، و بهتر آن است وقتی که می خواهد این عمل را بکند به پشت بخوابد و پاها را بلند کند، و بعد از مدتی پنبه را آهسته بیرون آورد، پس اگر خون در دور آن واقع شده باشد آن خون بکارت است و اگر خون تمام پنبه را گرفته باشد، خون حیض است و شرط است در امتحان مذکور، اینکه قروح یا جروح ، احاطه به فرج مثل بکارت نداشته باشد و همچنین خون بسیار نباشد که نتوان تشخیص داد. بلکه باید احتمال غیر این دو قسم خون که خون بکارت و خون حیض است ندهد.

3 - اگر زنی سه روز خون دید و قطع شود و در بین ده روز دوباره خون دید و قبل از ده روز قطع شد تکلیف این زن نسبت به این ایام چیست .

بسمه تعالی

تمامی خون و پاکی وسط، یعنی مابین سه تا ده محکوم به حیض است .

4 - آیا زن باردار ممکن است حیض ببیند یا نه :

بسمه تعالی

بلی ممکن است بنابر اقوی ، ولی با تأخر از ایام عادت ، بیست روز باید احتیاط کند به جمع بین تروك حائض و افعال مستحاضه .

5 - اقل و اکثر ایام حیض چقدر است .

بسمه تعالی

اکثر زمان حیض ، ده روز است و اقل زمان حیض سه روز است پس هرگاه يك روز یا دو روز خون ببیند حیض نخواهد بود.

6 - در زمان حیض ، و طی نمودن در قبل حائض ، چه صورت دارد.

بسمه تعالی

حرام است در زمان حیض وَطْئ نمودن در قُبُل حائض با علم به آن ، و درباره هر يك از مرد و زن ، موجب فسق می شود علی المعروف ، اگرچه از کبائر بودن آن معلوم نیست ، بلی حلال شمردن آن ، موجب کفر است با علم به حرمت آن .

7 - اگر وطی کرد مرد، زنش را در زمان حیض ، آیا کفارّه واجب است بر زن یا نه :

بسمه تعالی

واجب است به احتیاط وجوبی در صورت علم و عمل .

8 - کفارّه وطی ، چقدر است .

بسمه تعالی

کفارّه عبارت است از يك دینار، یعنی اشرفی هیجده نخودی که يك مثقال شرعی است . و این مقدار کفارّه ، در اول حیض است ، و در وسط آن نصف اشرفی است ، و در آخر آن ربع اشرفی است .

9 - اول ، وسط و آخر حیض را بیان فرمائید.

بسمه تعالی

زنی که مدتش مثلاً شش روز است ، روز اوّل و دوّم آن ، اوّل حیض است و روز سوم و چهارم ، وسط حیض است و روز پنجم و ششم ، آخر حیض است .

10 - آیا غسل حیض کفایت از وضو می کند یا نه :

بسمه تعالی

کیفیت غسل حیض ، مانند غسل جنابت است ، لکن غسل حیض ، کفایت از وضو نمی کند و اظهار وجوب وضو است .

11- خانمی بعد از پنج روز ایام عادتش پاک شده و غسل کرده ، روز هشتم يك قطره خون می بیند، این خون چه حکمی دارد.

بسمه تعالی

با فرض اینکه بین این خون و اوّلین روزی که خون دیده بیش از ده روز فاصله نشده ، تمام این هشت روز به حکم حیض است .

12 - زن پس از ایام عادت که معمولاً شش یا هفت روز است پاک شده ولی بعد از آن باز خون زرد رنگی می بیند و شک دارد که خون حیض است یا نه و نمی داند تا ده روز تمام می شود یا نه ، وظیفه اش چیست .

بسمه تعالی

صبر می کند اگر قبل از ده روز قطع نشد تمام آنرا حیض قرار می دهد و اگر از ده روز تجاوز کرد فقط ایام عادت را حیض قرار داده و نمازهای روزهای غیر آنرا قضا می کند.

13 - زنی پس از شش روز از خون حیض پاک می شود و هیچ خونی نمی بیند و روز نهم ترشح خونی بسیار کمی می بیند بعد هم کاملاً پاک می شود حکم این خون چیست .

بسمه تعالی

با فرض اینکه عرفاً خون بر آن صدق می کند مثل سؤ ال اوّل است .

14 - زنی جنب بوده و قبل از غسل جنابت حیض شده آیا صحیح است که قبل از پاک شدن از حیض غسل جنابت کند و غسلهای دیگر چطور.

بسمه تعالی

صحیح است قبیل از پاک شدن از حیض غسل جنابت کند به جهت تخفیف قذارت باطنی و هم می تواند در وقت پاک شدن يك غسل به نیت هر دو انجام دهد و اگر قبلاً غسل جنابت کرده در آن وقت به نیت وظیفه فعلیه غسل کند و بعض اغسال مثل غسل احرام برای حائض مستحب است .

15 - زنی حیض شد، روز دوم حیض رحمش را با عمل جراحی در آوردند، که حیض سه روز نشد آیا غسل حیض واجب است .

بسمه تعالی

غسل حیض بر او واجب نیست بلکه باید غسل استحاضه کند و عبادت‌های ترك شده را قضا کند.

16 - رحم زنی را طی يك عمل جراحی برداشته اند، خون‌هایی که بعداً می بیند محکوم به چیست .

بسمه تعالی

خون حیض نیست و محکوم به دم قرحه است خصوصاً اگر علامت آن را دارا باشد که خروج از راست است .
17 - در صورتی که استحاضه کثیره است و شخص از نظر جسمی توانایی سه مرتبه غسل در شبانه روز را ندارد (مبتلا به کمر درد و پا درد می باشد) آیا می تواند برای نماز بجای غسل استحاضه ، تیمم بدل از غسل کند و همچنین برای روزه می تواند تیمم کند؟ و آیا فضای روزه های این چند روز را باید بگیرد.

بسمه تعالی

یکی از مسوغات تیمم حرج و مشقت شدیده در استعمال آب است ، و اگر بخواهد احتیاط کند در آخر وقت تیمم کند و نماز و روزه اش صحیح است و قضا ندارد.

18 - در رابطه با استحاضه قلیله اگر شخصی بعد از نماز صبح پاک شده آیا برای نماز ظهر باید يك وضو و برای نماز عصر هم يك وضوی دیگر بگیرد و همچنین برای نماز مغرب و عشا؟

بسمه تعالی

با پاک شدن از استحاضه قلیله برای اولین نماز وضو می گیرد و برای نماز دیگر هم کافی است .

19 - زنی ادعا می کند که هر ماه فقط يك روز یا دو روز خون می بیند و همیشه اینطور بوده است ؟ آیا این خون استحاضه است یا حکم دیگری دارد.

بسمه تعالی

استحاضه است .

20 - زنی است که 50 سال او تمام شده است ولی هنوز هر ماه هفت الی ده روز خونی از او خارج می شود که از نظر ظاهر تفاوتی با خون حیض او ندارد آیا این خون را باید حیض حساب کرد یا استحاضه .

بسمه تعالی

احتیاط در جمع بین تروك حائض و احکام استحاضه کند.

21 - زن حامل در حال حمل گاهی يك لکه خون می بیند و ممکن است ده روز بعد هم لکه ای ببیند تکلیف آن زن چیست .

بسمه تعالی

استحاضه است مگر علم به غیر آن حاصل شود.

22 - اگر زنی که قرص ضدبارداری می خورد که در ماه مبارك رمضان حائض نشود بر فرض دو یا سه روز خون در باطل باشد و بیرون نیاید حکم روزه او چیست .

بسمه تعالی

احتیاط می کند به اینکه روزه به رجاء عمل به وظیفه می گیرد و بعداً هم قضا می کند با علم به اینکه سه روز ادامه داشته است .

23 - خانمی برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص خورده و در بین آن بر اثر ترك قرص کمی خون دیده ولی پیش از سه روز قطع شده است . آیا این خون که در ایام عادت بوده حکم حیض را دارد.

بسمه تعالی

خیر، مگر با علم به بقاء در باطن که وظیفه احتیاطی آن گذشت .

24 - لطفاً بفرمایید زن تا چند سال حیض می بیند و به سال شمسی یا قمری چگونه محاسبه می گردد با توجه به اینکه در شناسنامه ها تاریخ به سال شمسی است .

بسمه تعالی

حد یاس در قرشیه تمام شدن شصت سال قمری است و در غیر او تمام شدن پنجاه سال قمری است که ظاهراً به ترتیب 58 سال و 2 ماه و 18 روز، و 48 سال و 6 ماه و 7 روز به سال شمسی می شود.

25 - خانمی شك دارد که به سن یائسگی رسیده یا نه و خونی می بیند که نمی تواند یقین به ادامه آن تا سه روز پیدا کند وظیفه او نسبت به نماز و روزه چیست .

بسمه تعالی

وظیفه او مثل سابق استظهار است و ترك عبادت .

26 - زنی حائض است و گردنبنند او با نقش الله می باشد و گاهی بی اختیار روی بدنش قرار می گیرد. آیا جایز است چنین گردنبنندی را به گردن آویزان کند.

بسمه تعالی

با علم به تماس با بدن حائض نیست .

27 - رفتن زن با حالت عادت ماهانه به حرم ائمه معصومین به قصد زیارت جایز است یا نه .

بسمه تعالی

جائز نیست علی الاحوط، و این احتیاط در حرم و رواق در مکت و عبور ترك نشود.

28 - رفتن زن به حالت عادت ماهانه به حرم امامزادگان به قصد زیارت جایز است یا نه .

بسمه تعالی

مراعات عدم هتك بنماید و فی نفسه جایز است .

29 - مقاربت زن و شوهر بعد از حیض و قبل از غسل حیض ، چه حکمی دارد و نوزاد حاصل از این مقاربت چه حکمی دارد.

بسمه تعالی

جائز است علی کراهیه ، و احوط تجنب از آنست مگر بعد از غسل فرج ، و حکم ولد حکم سائر اولاد است یعنی حلال زاده است .

30 - زنی حائض یا به خاطر جهل به مسأله و یا عمداً حال خود را به شوهر نمی گوید و بعد از جماع برای مرد یقین حاصل می شود که زن در حال حیض بوده است ، آیا کفاره دارد و اگر دارد بر عهده زن است یا مرد. و یا هر دو.

بسمه تعالی

کفاره ندارد.

31 - خونی که دختر بعد از شب عروسی به مدت يك يا دو روز مشاهده می کند غسل دارد یا خیر. بسمه تعالی

دم بکارت موجب غسل نیست .

32 - زنی در اثر ملاعبه با شوهرش ، احساس شهوت می کند و حالت انزال به او دست می دهد و فکر می کند جنب شده است آیا با چنین حالتی غسل بر او واجب می شود.

بسمه تعالی

با علم به خروج منی به بیرون غسل واجب می شود ولو حصول علم با علائم باشد که در مسئله 350 رساله آمده .(2)

33 - گاهی بانوان و دوشیزگان عقد بسته ، در اثر ملاعبه با شوهر خود ترشحاتی همراه با کمی لذت و خوشی می بینند، آیا این ترشحات حکم منی را دارد.

بسمه تعالی

مبنی بر حصول علم است به شرحی که گذشت .

34 - زنی پس از نزدیکی با همسرش ، غسل کرده و پس از آن مقداری منی خارج شده است ، نمی داند از مرد است یا از خود او، تکلیف او چیست .

بسمه تعالی

هرگاه بعد از غسل ، منی مرد از زن خارج شود غسل واجب نیست و همچنین است اگر شك کند که منی بیرون آمده از خود اوست یا از مرد، اما اگر علم یا اطمینان داشته باشد که منی خارج شده از خود اوست و یا مخلوط با منی مرد است ، غسل بر او واجب است .

35 - زنی حائض بوده و غسل حیض را فراموش کرده و مدتی نماز خوانده البته برای نمازهای خود وضو گرفته آیا نمازهای او صحیح است .

بسمه تعالی

صحیح نیست مگر غسل واجبی در بین انجام داده باشد که نمازهای بعد آن تا عادت ماهانه بعدی صحیح است .

36 - زنی جنب بوده و فراموش کرده و مدتی نماز خوانده ولی در این بین غسل حیض انجام داده است و فعلاً متوجه شده ، تکلیف او نسبت به نمازهای گذشته چیست .

بسمه تعالی

اگر بقصد آنچه بر ذمه اوست غسل کرده کفایت از غسل جنابت هم نموده است ، و اگر خصوص حیض را قصد کرده و توجه به جنابت نداشته بعید نیست از غسل جنابت هم کفایت کند لکن احوط خلاف آنست .

37 - آیا با غسل استحاضه کثیره ، وضو هم لازم است با غسل متوسطه چطور.

بسمه تعالی

با غسل متوسطه وضو لازم است ، و همچنین با اغسال کثیره علی الاحوط و توضیح در مسأله 383(3) و 384(4) رساله آمده است .

38 - در صورت شك بین خون نفاس و خون زخم :

الف (تکلیف زن در این مورد چیست .

ب (چنانچه لباس بیمار، آغشته به خون باشد حکم خون نفاس دارد یا زخم ؟

بسمه تعالی

الف : اگر همراه با ولد یا پس از آن تا ده روز باشد بلکه خون همراه سقط بنحویکه در مسأله 439(5) رساله بیان شده نفاس است ، مگر اینکه بداند قرحه ای در باطن هست که این خون از آنست .

ب : مبنی بر جواب قبلی است .

39 - زنی برای جلوگیری از حاملگی از دستگاہ ((آی یو دی)) [IUD] استفاده می کند اگر در این حالت خونریزی رخ دهد تکلیف چیست .

بسمه تعالی

اگر علم دارد که از زخم است فقط تطهیر می کند و اگر شك دارد به مسأله 407(6) و 408(7) رساله مراجعه کند.

40 - زنی را که عمل جراحی می کنند جهت سقط جنین ، خونی که از مجرای عادی او خارج می شود چه حکمی دارد.

بسمه تعالی

احکام نفاس را دارد.

41 - وقتی برای اولین بار عادت ماهانه شدم ، چون در آن زمان رسم نبود که مادرها مسأله زنانه خود، حتی غسل کردن برای حیض را برای دخترانشان بگویند به مدت 3 سال هر وقت برای غسل کردن به حمام می رفتم ، زیر دوش آب می ایستادم و فقط صلوات می فرستادم و وقتی که عادت بودم نماز و روزه ام را انجام می دادم و هم به مسجد می رفتم و بعد که شوهر کردم فهمیدم که زن وقتی که حائض می شود باید غسل کند حالا تکلیف من نسبت به نماز و روزه هایم در این مدت 3 سال چیست .

بسمه تعالی

نماز و روزه قضا دارد مگر خصوص روزههای عادت که نمازهای آنها قضا ندارد.

42 - زنی عادت وقتی ندارد، اما در مورد اینکه صاحب عادت عدیدیه است نیز تردید دارد به این صورت که مدت خون دیدن وی هفت روز است از هفت تا ده روز ترشحاتی به رنگ زرد تیره می بیند گاهی نیز در فاصله روز هفتم و دهم لکه خون می بیند وظیفه وی چیست .

بسمه تعالی

اگر دو ماه پی در پی چنین حالتی برای او پیش نیامد عادت مستقر شده و با يك مرتبه رؤیت خلاف ، زائل نمی شود، ولی اگر چندین مرتبه چنین حالت برایش پیش آمد که محکوم به حیض شد و بنحوی بود که در نزد عرف صاحب عادت بحساب نیامد عادت سابق زائل شده و مضطر به بحساب می آید مگر همین حالت دو ماه پی در پی مثل هم باشد.

غسل**غسل میّت**

مسئله 147 :

واجب است میّت را سه غسل بدهند:

- 1 - اول : غسل با آبی که به سدر مخلوط باشد
- 2 - دوم : غسل با آبی که به کافور مخلوط باشد
- 3 - سوم : غسل با آب خالص

مسئله 148 :

غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، بنا بر احتیاط، واجب است . و غسل ، کفن ، دفن کافر و اولاد او ، جایز نیست . و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده ، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام از آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست .

مسئله 149 :

بچه سقط شده را، اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید بنا بر احتیاط واجب غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه ای ببیچند و بدون غسل دفن کنند.

مسئله 150 :

اگر میّت و کسی که او را غسل می دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند جایز است که غیر از عورت ، جاهای دیگر میّت برهنه باشد .

مسئله 151 :

نگاه کردن به عورت میّت حرام است ، و کسی که او را غسل می دهد اگر نگاه کند معصیت کرده ، ولی غسل باطل نمی شود .

مسئله 152 :

کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده ، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است ولی بنا بر احتیاط موقع غسل دادن نیت غسل جنابت و یا حیض را نیز بنمایند .

غسل مس میّت

مسئله 153 :

اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسل اش نداده اند، مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میّت کند .

غسلهای مستحب

مسئله 154 :

غسل ها، در شرع مقدس اسلام بسیار است که از آن جمله است :

- 1 - غسل جمعه
- 2 - غسل شب اول ماه رمضان و تمام شبهای فرد مثل سوم و پنجم و هفتم ، ولی از شب بیست و یکم به بعد مستحب است همه شب غسل کند
- 3 - غسل روز عید فطر و عید قربان
- 4 - غسل شب عید فطر
- 5 - غسل روز هشتم و نهم ذی الحجه
- 6 - غسل روز اول ، پانزده ، بیست و هفتم و آخر ماه رجب
- 7 - غسل روز عید غدیر
- 8 - غسل روز بیست و چهارم ذی الحجه
- 9 - غسل روز عید نوروز، پانزدهم شعبان و هفدهم ربیع الاول ،
- 10 - غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه ، نماز آیات را عمداً نخوانده در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد
- 11 - غسل کسی که برای تماشای دار آویخته ، رفته و آن را دیده باشد
- 12 - غسل برای احرام و طواف و وقوف به عرفات و مشعر و برای قربانی کردن و سر تراشیدن در منی و برای توبه از معاصی اگر چه گناه صغیره باشد، و برای طلب حاجت و استخاره یعنی طلب خیر از خداوند .

تیمّم

مسئله 155 :

در هفت مورد، به جای وضو و غسل باید تیمّم کرد:

- 1 - پیدا نکردن آب
- 2 - مشقت بیش از حدّ
- 3 - ترس از ضرر
- 4 - نیاز به آب برای حفظ جان
- 5 - نیاز به آب برای تطهیر
- 6 - نداشتن آب مباح

7 - نداشتن وقت برای وضو یا غسل

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسأله 156 :

تیمم به خاک ، ریگ ، کلوخ و سنگ ، اگر پاک باشند ، صحیح است .
به آجر و کوزه قبل از پخته شدن نیز صحیح است . تیمم بر سنگ گچ و سنگ و سنگ آهک قبل از پخته شدن ، صحیح است .

دستور تیمم

مسأله 157 :

در تیمم ، چهار چیز واجب است :

اول : نیت

دوم : زدن تمام کف دو دست ، با هم ، بر چیزی که تیمم به آن صحیح است و بنا بر احتیاط واجب ، همراه با ضربه باشد و گذاشتن دو دست بر زمین کافی نیست

سوم : کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود

چهارم : کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ .

احکام تیمم

مسأله 158 :

تیمم بدل از غسل و بدل از وضو ، با هم فرقی ندارند ، ولی احتیاط مستحب است در تیمم بدل از غسل ، بلکه در هر تیممی ، بعد از مسح پیشانی ، یک بار دیگر کف دستها را به زمین بزند و پشت دستها را به همین صورتی که گفته شد ، با کف دست دیگر مسح کند .

مسأله 159 :

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد .

مسأله 160 :

انسان باید برای تیمم ، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها ، مانعی باشد ، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد ، باید بر طرف کند .

نماز

نماز ، مهم ترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود ، عبادت‌های دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود ، اعمال دیگر هم قبول نمی شود . همان طور که اگر انسان ، در هر شبانه روز ، پنج نوبت در نهر آبی شست و شو کند ، چرک در بدنش نمی ماند ، نمازهای پنجگانه هم ، انسان را از گناهان پاک می کند .

سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را سبک شمارد ، مانند کسی است که نماز نمی خواند .

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند : ((کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد ، سزاوار عذاب آخرت است)) .

در حال نماز ، به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم ، بسیار پست و ناچیز ببیند . و اگر انسان در موقع نماز ، کاملاً به این مطلب توجه کند ، از خود بی خبر می شود ، چنانکه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیر المؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند .

و نیز نماز گزار باید توبه و استغفار کند و گناهایی که مانع قبول شدن نماز است ، مانند حسد ، کبر ، غیبت ، خوردن حرام ،

آشامیدن مسکرات ، ندادن خمس و زکات ، بلکه هر معصیتی را ترک کند . نیز سزاوار است که نماز گزار ، کارهایی که ثواب نماز را کم می کند ، بجا نیاورد ، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول ، به نماز نایستد و در موقع نماز ، به آسمان نگاه نکند .

و نیز کارهایی که ثواب را زیاد می کند ، بجا آورد ، مثلاً انگشتری عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید .

نمازهای واجب

مسأله 161 :

نمازهای واجب به شرح ذیل است :

1 - نماز یومیّه (شبانه روز) و آنچه ملحق به آن است مانند نماز جمعه ، نماز احتیاط ، نماز قضا و نمازی که نماز گزار دوباره آن را اعاده می کند

2 - نماز آیات که به سبب آمدن حوادثی چون : زلزله ، خسوف ، کسوف و مانند اینها واجب می شود

3 - نماز میت

4 - نماز طواف واجب خانه کعبه

5 - نماز قضای والدین بر پسر بزرگ

6 - نمازی که به سبب اجیر شدن و نذر و قسم و عهد واجب می شود .

نمازهای یومیّه

مسأله 162 :

پنج نماز در روز واجب است :

1 - نماز ظهر (چهار رکعت)

2 - نماز عصر (چهار رکعت)

3 - نماز مغرب (سه رکعت)

4 - نماز عشا (چهار رکعت)

5 - نماز صبح (دو رکعت)

مسئله 163 :

نماز گزار برای بجا آوردن نماز صحیح ، چند شرط را باید قبل از نماز رعایت کند:

اول : طهارت

دوم : وقت هر نماز

سوم : قبله

چهارم : پوشش در حال نماز و شرایط آن

پنجم : مکان نماز

وقت نماز های یومیّه

وقت نماز ظهر و عصر

مسئله 164 :

نماز ظهر و عصر ، هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند .

وقت مخصوص نماز ظهر

از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر نگذرد . و اگر کسی ، اشتبهاً عصر را در این وقت بخواند ،

نمازش باطل است .

وقت مخصوص نماز عصر

هنگامی است که به اندازه خواندن نماز عصر ، به مغرب ، وقت ماند باشد .

مابین این دو وقت مخصوص ، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است .

وقت نماز مغرب و عشا

مسئله 165 :

نماز مغرب و عشا ، هر کدام وقت مخصوص و مشترک دارند .

وقت مخصوص نماز مغرب

از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد .

وقت مخصوص نماز عشا

برای شخص مختار ، موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد .

بین وقت مخصوص نماز مغرب و عشا ، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است .

وقت نماز صبح

مسئله 166 :

نزدیک اذان صبح ، از طرف مشرق ، نور سفیدی رو به بالا حرکت می کند که آن را ((فجر اول)) گویند ، موقعی که آن سفیدی

پهن شد ، ((فجر دوم)) و اول وقت نماز صبح است .

و آخر وقت نماز صبح ، موقعی است که آفتاب می خواهد بیرون آید .

احکام اوقات نماز

مسئله 167 :

کسی که فقط به اندازه خواندن يك رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز را به نیت ادا بخواند .

مسئله 168 :

مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است . و هر چه به اول وقت نزدیک تر

باشد ، بهتر است .

ترتیب نماز

مسئله 169 :

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز

ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند ، باطل است .

نماز های مستحب

مسئله 170 :

نماز های مستحبی زیاد است و آنها را ((نافله)) گویند .

در بین نماز های مستحبی ، به خواندن نافله های شبانه روزی بیشتر سفارش شده است .

نافله های شبانه روزی ، در غیر روز جمعه ، سی چهار رکعت است :

1 - ظهر ، هشت رکعت ، قبل از نماز ظهر

2 - عصر ، هشت رکعت ، قبل از نماز عصر

3 - مغرب ، چهار رکعت ، بعد از نماز مغرب

4 - عشا ، دو رکعت نشسته ، بعد از نماز عشا

5 - صبح ، دو رکعت ، قبل از نماز صبح

6 - شب ، یازده رکعت .

نماز شب

در اهمیت و فضیلت نماز شب روایات بسیاری وارد شده است ، از جمله : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

فرمودند: بر تو باد نماز شب !
 آن حضرت در جایی می فرمایند: آنقدر جبرئیل مرا سفارش به نماز شب کرد که گویا نیکویان امت شب نمی خوابند. دو رکعت نماز در شب را بر همه دنیا ترجیح می دهم .
 امام علی علیه السلام فرمودند: نماز شب ، بدن را سالم می کند.
 امام صادق علیه السلام می فرمایند: نماز شب ، سبب بخشش گناهان می شود.
 نماز شب ، صورت را نورانی می کند.
 نماز شب ، روزی را زیاد می کند.

روش خواندن نافله شب

مسئله 171 :

نافله شب ، یازده رکعت است به شرح زیر:

هشت رکعت به نیت نافله شب (چهار نماز دو رکعتی)

دو رکعت به نیت نماز شفع

یک رکعت به نیت نماز وتر.

وقت خواندن آن ، بعد از نصف شب است و هر چه به صبح نزدیکتر باشد، بهتر است .
 نماز شفع هم مثل نماز صبح است .
 نماز وتر، به این طریق خوانده می شود:

پس از نیت ، حمد و سه مرتبه سوره توحید و یک مرتبه سوره فلق و یک مرتبه سوره ناس خوانده می شود و بعد از آن ، هر دو دست را مقابل صورت گرفته مشغول خواندن قنوت می شود و بعد از قنوت ، دست چپ را فقط به حال قنوت نگه داشته و با دست راست تسبیح را گرفته و در حقّ چهل مؤ من دعا می کند، مثلاً بدین طریق :اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِرُوحِ اللَّهِ الْخَمِينِ وَ ... آنگاه هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ وَ بَعْدَ سَبْعِ مَرْتَبَةٍ بَيِّنَةٍ اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ وَ سَبْعِ مَرْتَبَةٍ بَيِّنَةٍ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ وَ بَعْدَ بَيِّنَةٍ رَبِّ اَغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي وَ ثُبُّ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ الْتَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

نماز غفيله

مسئله 172 :

نماز غفيله یکی از نمازهای مستحبی است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود.

مسئله 173 :

نماز غفيله دو رکعت است ، در رکعت اول بعد از حمد به جای سوره باید یا بهتر است این آیه خوانده شود:
 وَ ذَالْتُونَ اِذْ ذَهَبَ مُغَاظِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ .

در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه قرائت شود:
 وَ عِدَّتُهُ مَفَاطِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تُسْفِطُ مِنْ رَاقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

در قنوت این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا تَحِ الْعَيْبِ الَّتِي اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي ...

سپس حاجتهای خود را ذکر کرده و بعد بخواند:

اللَّهُمَّ اَنْتَ وَلِيَّ نِعْمَتِي وَ اَلْقَا دُرِّي عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمْ اَقْضِيَتْهَا لِي .

قبله

مسئله 174 :

خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد، قبله است و باید رو به آن نماز خواند. همین قدر که گمان بکند رو به قبله است ، کافی است .

مسئله 175 :

کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز ، کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل کند و اگر گمان ممکن نیست ، به هر طرف که انجام دهد، صحیح است .

پوشاندن بدن در نماز

مسئله 176 :

زن در موقع نماز باید تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، حتی اگر کسی او را نبیند، ولی پوشاندن صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا، لازم نیست .

ولی احتیاط در این است که صورت بیش از آنچه شستن آن در موقع وضو واجب است در حال نماز باز نباشد و همچنین کف پا و درون دست نیز باز نباشد. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است ، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

لباس نماز گزار

مسئله 177 :

لباس نماز گزار شش شرط دارد:

1 - پاک باشد.

2 - مباح باشد.

3 - از اجزای مردار نباشد.

4 - از حیوان حرام گوشت نباشد.

6و5 - اگر نماز گزار مرد است ، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد.

مسئله 178 :

زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست ، برای مرد در نماز و غیر نماز حرام است .

دندانی که پوشش طلا دارد، در نماز مانعی ندارد.

زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

مکان نماز گزار

مسئله 179 :

مکان نماز گزار دو شرط دارد:

اول : مکان مباح باشد.

دوم : مکان نماز گزار از نجاست مرطوب که به بدن و لباس نماز گزار سرایت کند، خالی باشد.

مسئله 180 :

نماز خواندن در مسافر خانه و حمام و مانند اینها که برای کسانی که وارد می شوند آماده شده ، اشکال ندارد.

مسئله 181 :

این که زن ، جلوتر از مرد یا مساوی و همدوش با مرد برای نماز خواندن بایستند، مکروه است ، بنابر اظهار مگر این که بین آن دو ، چیزی مانند پرده و مانند آن ، حائل بشود و یا این که بین آن دو ، به مقدار حداقل يك وجب و حداکثر ده ذراع که حدود پنج متر می شود، فاصله باشد که در این صورت ، کراهت کم و یا برداشته می شود.

احکام مسجد

مسئله 182 :

نجس کردن زمین و سقف و بام و ظاهر و باطن مسجد، حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است ، باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند. و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود، نجاستش را بر طرف کنند.

مسئله 183 :

چند چیز در مسجد مستحب است :

1 - تمیز کردن مسجد

2 - روشن کردن چراغ

3 - کسی که وارد مسجد می شود، ته کفش خود را و ارسی کند که نجاستی در آن نباشد

4 - موقع داخل شدن به مسجد، اول پای راست و موقع بیرون آمدن ، اول پای چپ را بگذارد.

مکانهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

مسئله 184 :

نماز در مسجد، از نماز در غیر مسجد افضل است و بهتر از همه مساجد، مسجد الحرام و بعد مسجد النبی و بعد مسجد کوفه و بعد مسجد سهله و مسجد خیف و مسجد غدیر و مسجد بیت المقدس و مسجد برائا و مسجد قبا و مسجد جامع هر شهر و بعد مسجد قبیله و بعد مسجد بازار است .

از جمله اماکن مستحب و با فضیلت ، مشاهد مشرفه انبیا و اوصیای آنان و ائمه علیهم السلام است .

اذان و اقامه

مسئله 185 :

برای مرد و زن ، مستحب است پیش از نمازهای یومیه ، اذان و اقامه بگویند، اما احتیاط مستحب این است که اقامه ترك نشود، مخصوصاً در نماز صبح و مغرب و برای کسی که به جماعت نماز نمی خواند.

پیش از نماز عید فطر و قربان ، مستحب است که سه مرتبه بگویند: الصلاة ، گفتن اذان و اقامه در غیر این مورد، به قصد ورود در شرع ، حرام است .

مسئله 186 :

مستحب است در گوش راست بچه ای که به دنیا آمده اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

اذان و ترجمه

اللّٰهُ اَكْبَرُ (4 بار)

خدای تعالی بزرگ تر از آن است که او را وصف کنند .

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ (2 بار)

شهادت می دهم که غیر از خدائی که بکتاست ، خدای دیگر سزاوار پرستش نیست .

اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ (2 بار)

شهادت می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست .

اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ (2 بار)

شهادت می دهم که حضرت علی علیه السلام ولی خدا بر همه خلق است .

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ (2 بار)

بشتاب به سوی نماز .

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ (2 بار)

بشتاب به سوی رستگاری .
 حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ (2 بار)
 بشتاب به سوی بهترین عمل .
 اللَّهُ اكْبَرِ (2 بار)
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (2 بار)
 خدایی سزاوار پرستش نیست ، مگر خدایی که یکتا و بی همتا است .
 اقامه

اللَّهُ اكْبَرِ (2 بار)
 اَعْتَهْدُ اَعْنِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (2 بار)
 اَعْتَهْدُ اَعْنِ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (2 بار)
 اَعْتَهْدُ اَعْنِ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ (2 بار)
 حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ (2 بار)
 حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ (2 بار)
 حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ (2 بار)
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ (2 بار)
 اللَّهُ اكْبَرِ (2 بار)
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (1 بار)

واجبات نماز

مساعله 187 :

واجبات نماز ، یازده چیز است :

اول : نیت

دوم : قیام

سوم : تکبیرة الاحرام ، یعنی «اللَّهُ اكْبَرِ» گفتن در اول نماز

چهارم : رکوع

پنجم : سجود

ششم : قرائت

هفتم : ذکر

هشتم : تشهد

نهم : سلام

دهم : ترتیب

یازدهم : موالات ، یعنی پی در پی بودن اجزای نماز .

مساعله 188 :

بعضی از واجبات نماز ، رکن است و بعضی دیگر غیر رکن .

ارکان نماز

نیت

قیام

تکبیرة الاحرام

رکوع

سجود (دو سجده)

غیر ارکان نماز

قرائت

ذکر

تشهد

سلام

ترتیب

موالات

فرق بین ارکان نماز و غیر ارکان

اگر انسان ارکان نماز را بجا نیاورد و یا اضافه کند ، عمداً باشد یا اشتباهاً ، نماز ، باطل است ، ولی غیر ارکان را اگر اشتباهاً کم یا زیاد کند ، نماز باطل نیست .

نیت

مساعله 189 :

انسان باید نماز را به نیت قربت ، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم ، بجا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که : «چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربة الی الله» ، بلکه همین قدر که انگیزه انسان از این کار ، نماز خواندن باشد ، در تحقق نیت کافی است . ولی بهتر و افضل این است که نیت نماز را از قلب خود بگذراند .

مساعله 190 :

انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم ، نماز بخواند. پس کسی که ریا کند ، یعنی ، برای نشان دادن به مردم نماز بخواند ، نمازش باطل است ، بنابر احوط، خواه برای مردم باشد، یا خدا و مردم ، هر دو را در نظر بگیرد.

مسئله 191 :

اگر کسی مثلاً خواست نماز ظهر بخواند، ولی موقع شروع در نماز، اشتباهاً به جای لفظ ظهر، لفظ عصر به زبان او آمد، یا این که در قلیش به جای ظهر مثلاً عصر اشتباهاً خطور کرد، ولی انگیزه او از این عمل ، نماز ظهر بود، مانعی ندارد و نماز او صحیح است .

قیام

مسئله 192 :

قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام ، بنابر ظاهر، و قیام پیش از رکوع - که آن را قیام متصل به رکوع می گویند- رکن است ، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع ، رکن نیست .

مسئله 193 :

اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده ، باید اول بایستد و سپس به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده ، نماز او باطل است .

مسئله 194 :

موقعی که ایستاده ، باید بدن را عمداً حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد.

مسئله 195 :

حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد و سوره و سایر حالات ، اشکال ندارد.

تکبیرة الاحرام

مسئله 196 :

گفتن الله اکبر در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید بنابر احوط، حروف ((الله)) و حروف ((اکبر)) و دو کلمه ((الله اکبر)) را پشت سر هم بگوید.

مسئله 197 :

موقع گفتن تکبیرة الاحرام ، باید بدن آرام باشد و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیرة الاحرام را بگوید، باطل است . و نیز بنابر احتیاط، اگر سهواً یا از روی فراموشی باشد، باطل است .

قرانت

مسئله 198 :

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید اول سوره حمد و بعد از آن ، بنابر احتیاط در صورتی که می داند یا می تواند یاد بگیرد، يك سوره تمام بخواند .

و بنابر اظهر اگر سوره ((ضحی)) را می خواند، باید سوره ((الم نشرح)) را هم به دنبال آن بخواند و اگر سوره ((فیل)) را خواند، سوره ((قریش)) را هم بخواند .

مسئله 199 :

بر مرد واجب است که حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند. بر مرد و زن واجب است که حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند .

مسئله 200 :

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، باید آهسته بخواند، در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذت بردن در بین باشد بنابر اظهر .

مسئله 201 :

انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ وجه نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند، و احتیاط مستحب در آن است که نماز را به جماعت بجا آورد.

مسئله 202 :

در رکعت سوم و چهارم نماز، می تواند فقط يك حمد بخواند، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید .

اگر يك مرتبه هم تسبیحات اربعه را بگوید، بنابر اقوی کافی است ، ولی سه مرتبه فضیلت بیشتر دارد، و بهتر است در هر دو رکعت ، تسبیحات بخواند .

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ را تسبیحات اربعه گویند .

مسئله 203 :

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز ، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند .

مسئله 204 :

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، مگر در ظهر جمعه که مستحب است دو رکعت اول را بلند بخوانند .

مسئله 205 :

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح ، مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود باید آهسته بخواند، در صورتی که شنیدن صدای او حرام باشد، مثلاً ترس فتنه و لذت بردن در بین باشد بنابر اظهر .

رکوع

مسئله 206 :

در هر رکعت ، بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد. و این عمل را ((رکوع)) می گویند.
مسئله 207 :

در رکوع ، احتیاط مستحب آن است که سه مرتبه ((سبحان الله)) یا يك مرتبه ((سبحان رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بَحْمَدِهِ)) بگوید.
مسئله 208 :

مستحب است بعد از سر برداشتن از رکوع ، وقتی بدن آرام گرفت ، بگوید ((سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ)) .
مسئله 209 :

بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت ، به سجده رود. اگر پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن ، عمداً به سجده رود، نمازش باطل است .
مسئله 210 :

مستحب است در رکوع ، زنها دست را بالاتر از زانو قرار بدهند.
سجود

مسئله 211 :

نماز گزار باید هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب ، بعد از رکوع ، دو سجده کند.
((سجده)) آن است که پیشانی و تمام کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.
مسئله 212 :

در سجده ، احتیاط مستحب آن که سه مرتبه ((سبحان الله)) یا يك مرتبه ((سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بَحْمَدِهِ)) بگوید و مستحب است ((سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بَحْمَدِهِ)) را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.
مسئله 213 :

موقعی که ذکر سجده را می گوید، باید تمام هفت عضو روی زمین باشند و از زمین برداشته نشوند، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست ، اگر غیر از پیشانی ، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.
مسئله 214 :

بعد از تمام شدن ذکر سجده اول ، باید بنشینند تا بدن آرام بگیرد و بعد به سجده دوم رود.
مسئله 215 :

اگر به واسطه بلند بودن ناخن انگشت شست پا، سر شست به زمین برسد، نماز باطل است .
مسئله 216 :

احتیاط مستحب آن است که بعد از سجده دوم رکعت اول و سوم - که تشهد ندارد- قدری بی حرکت نشسته و بعد برخیزد.
مسئله 217 :

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می روید، سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست .

منظور از خوراکی ، چیزهایی است که خام یا پخته آن ، عادتاً خورده می شود. پس سجده بر گندم و جو و نخاله آنها که در ضمن خورده می شود، صحیح نیست ، ولی سجده بر پوست برنج و پوست خربزه و هندوانه و انار و حتی در حال اتصال ، مانعی ندارد.

و همچنین سجده بر گیاهان دارویی که اختصاص به مریض دارد و به هیچ وجه از آن در حال سلامت استفاده نمی شود، جایز است . و سجده بر تتباکو و مانند آن ، که خوراکی نیست ، جایز است ، به خلاف مثل قهوه و چای .

منظور از پوشاکی ، چیزی است که عادتاً پوشیده می شود، و لو بعد از ریسیدن و بافتن ، مثل پنبه و کتان و کف ، ولی سجده بر برگ درختان و چوبها و آنچه که از چوب ساخته می شود و حصیر و بادبزن و امثال آن ، جایز است .

مسئله 218 :

سجده کردن بر چیزهای معدنی ، مانند طلا و نقره ، عقیق و فیروزه ، باطل است ، اما سجده کردن بر سنگهای معدنی ، مانند سنگ مرمر و سنگهای سیاه ، بنابر اظهر اشکال ندارد.
مسئله 219 :

بهنتر از هر چیز برای سجده کردن تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام است .

سجده واجب قرآن

مسئله 220 :

در چهار سوره قرآن آیاتی وجود دارد که اگر انسان آن را بخواند یا به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آنها باید فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده کند این آیه ها را ((آیه سجده)) می گویند که عبارتند از :

((آیه 37 سوره فصلت (41))) ((آیه آخر سوره نجم (53)))

((آیه 15 سوره سجده (32))) ((آیه آخر سوره علق (96))) .

مسئله 221 :

اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود، چنانچه گوش داده ، دو سجده کند و اگر به گوشش خورد، يك سجده کافی است ، اگر چه احتیاط در دو سجده است . و اگر انسان ، چند دفعه آیه سجده را شنید و یا خود قرائت کرد، اگر بعد از اولی سجده کرده ، واجب است باز هم برای دفعات بعد سجده کند .

مسئله 222 :

اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن را ندارد، بشنود یا از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند. ولی اگر از وسیله ای که مثل بلندگو، صدای خود انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند و اگر سجده نکرد برای هر قرائت و

شنیدن آیه ، سجده کند .

مسئله 223 :

در سجده واجب قرآن ، گذاشتن پیشانی بزمین به قصد سجده ، اگر چه ذکر نگوید، کافی است .
و گفتن ذکر در سجده واجب مستحب است و بهتر است بگوید:
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ تَعَبُّدًا وَرِقًا، لَا مُسْتَكْبِرًا وَ
لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَعْنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيْفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ .

تشهد

مسئله 224 :

در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، انسان بعد از سجده دوم ، باید بنشیند و در حال آرام بودن بدن ، تشهد بخواند . و ذکر تشهد بنابر احتیاط عبارت است از:
اعشَهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اعشَهُدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

مسئله 225 :

اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید تشهد را نخوانده باید بنشیند و تشهد را بخواند .

مسئله 226 :

بعد از تشهد رکعت آخر نماز ، در حالی که نشسته و بدن آرام است ، باید سلام نماز را بگوید .

ترتیب سلام نماز به شرح زیر است .
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِيَالِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ .
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

ترتیب

مسئله 227 :

اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، بنابر احتیاط، نماز باطل می شود .

موالات

مسئله 228 :

انسان باید نماز را با موالات (پی در پی) بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورد .

قنوت

مسئله 229 :

در تمام نمازهای واجب و مستحب ، پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند، بلکه احتیاط در این است که قنوت را در نمازهای واجب ترک نکند، در نماز وتر با آن که يك رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع ، مستحب است . نماز جمعه ، در هر رکعت يك قنوت دارد و در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع ، خوانده می شود . نماز آیات ، پنج قنوت ، و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول ، پنج قنوت و در رکعت دوم ، چهار قنوت دارد .

مسئله 230 :

اگر بخواهد قنوت را بخواند، خوب است دستها را مقابل صورت بلند کند و مستحب است که کف دستها را رو به آسمان و پهلوئ هم نگه دارد .

مسئله 231 :

در قنوت ، هر ذکری بگوید کافی است ، اگر چه يك سبحان الله باشد و بهتر است بگوید:
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ م وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

و نماز گزار می تواند این دعا را بخواند:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ .

تعقیبات نماز

مسئله 232 :

مستحب است انسان بعد از نماز ، مشغول تعقیب ، یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن ، شود ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند، بخواند .

از تعقیبهایی که خیلی سفارش شده است ، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است ، که به این ترتیب گفته شود:

اللَّهُ أَكْبَرُ : (34 بار)

الْحَمْدُ لِلَّهِ : (33 بار)

سبحان الله : (33 بار)

مسئله 233 :

مستحب است بعد از نماز ، سجده شکر کند و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد، کافی است ، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا يك مرتبه بگوید:

((شُكْرًا لِلَّهِ)) یا ((شُكْرًا)) یا ((عَفْوًا)).

مسئله 234 :

مستحب است هر وقت نعمتی به انسان می رسد، یا بلایی از او دور می شود، سجده شکر بجا آورد .

مبطلات نماز

مسئله 235 :

دوازده چیز نماز را باطل می کنند که عبارتند از :

- 1 - از بین رفتن یکی از شروط در اثنای نماز .
- 2 - باطل شدن وضو یا غسل در اثنای نماز ، عمدآ یا سهوآ .
- 3 - گذاشتن دستها روی هم عمدآ با قصد این که جزء نماز است .
- 4 - گفتن ((آمین)) عمدآ بعد از حمد .
- 5 - برگرداندن عمدی تمام بدن به پشت سر (روی بر گرداندن از قبله) .
- 6 - حرف زدن عمدی
- 7 - خندیدن عمدی (قهقهه کردن)
- 8 - برای دنیا یا صدای بلند عمدآ گریه کردن
- 9 - کار زیادی که صورت نماز را به هم بزند
- 10 - خوردن و آشامیدن در بین نماز
- 11 - شك در رکعتهای نماز دو رکعتی و سه رکعتی
- 12 - کم و زیاد کردن رکن نماز ، عمدآ یا سهوآ

مسئله 236 :

اگر انسان ، عمدآ تمام بدن را به راست یا چپ و یا فقط با صورت به پشت سر توجه کند، بنا بر اظهر، نمازش باطل است . و اگر سهوآ و یا از روی فراموشی باشد، مانعی ندارد .

شکایات نماز

مسئله 237 :

شکهایی که نماز را باطل می کند از این قرار است .

- 1 - شك در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی ، مثل نماز صبح و نماز مسافر . ولی شك در نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط، نماز را باطل نمی کند
- 2 - شك در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی
- 3 - اگر در نماز چهار رکعتی شك کند که يك رکعت خوانده یا بیشتر
- 4 - اگر در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم ، شك کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر
- 5 - شك بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج
- 6 - شك بین سه و شش و بیشتر از شش
- 7 - شك در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است
- 8 - شك بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش .

شکهایی که نباید اعتنا شوند

مسئله 238:

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد عبارت است از :

- 1 - در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است ، مثل آنکه ((در رکوع شك کند که حمد را خوانده یا نه))
- 2 - شك بعد از سلام نماز
- 3 - شك بعد از گذشتن وقت نماز
- 4 - شك کثیر الشك ، یعنی ، کسی که زیاد شك می کند
- 5 - شك امام در شماره رکعتهای نماز، در صورتی که ماعوم شماره آنها را بداند و نیز شك ماعوم در صورتی که امام شماره رکعتهای نماز را بداند
- 6 - شك در نماز مستحبی

شکهای صحیح نماز

مسئله 239 :

در نه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شك کند، بنا بر احتیاط، باید فکر کند و اگر یقین یا گمان به يك طرف از شك پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که گفته می شود عمل کند .

نه صورت شك بدین قرار است

- 1 - شك بین دو و سه ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، بنا بر اظهر باید بنا بگذارد به اینکه سه رکعت خوانده و يك رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد .
- 2 - شك بین دو و چهار ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز ، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند .
- 3 - شك بین دو و سه و چهار ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز ، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد .
- 4 - شك بین چهار و پنج ، بعد از سر برداشتن از سجده دوم ، که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز ، دو

سجده سهو بجا آورد.

اگر بعد از رکوع رکعتی که در آن شك کرده و پیش از سر برداشتن از سجده دوم ، این شك برای او پیش آید ، بنا بر احتیاط واجب ، باید نماز را دوباره هم بخواند .

5 - شك بین سه و چهار ، که در هر جای نماز باشد ، باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز ، يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد .

6 - شك بین چهار و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و آنگاه يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته ، بجا آورد و بنا بر احتیاط ، دو سجده سهو نیز انجام دهد .

7 - شك بین سه و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد .

8 - شك بین سه و چهار و پنج ، در حال ایستاده ، قبل از رکوع ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز ، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد و سپس دو سجده سهو برای کارهای زیادی که انجام داده ، بجا آورد .

9 - شك بین پنج و شش ، در حال ایستاده ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد

موارد شکستن نماز

مسئله 240 :

شکستن نماز واجب ، از روی اختیار ، حرام است ، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی ، مانعی ندارد . شکستن نماز مستحبی ، از روی اختیار ، مانعی ندارد .

مسئله 241 :

اگر حفظ جان خود یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می باشد ، بدون شکستن نماز ممکن نباشد ، باید نماز را بشکند .

نماز احتیاط

مسئله 242 :

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از سلام ، باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و بنا بر اظهر ، حمد را بخواند و به رکوع برود و دو سجده کند .

پس اگر يك رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده ، تشهد بخواند و سلام دهد ، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده ، يك رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از رکعت دوم ، تشهد و سلام دهد .

مسئله 243 :

نماز احتیاط ، سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخواند .

سجده سهو

مسئله 244 :

برای پنج چیز بعد از سلام نماز ، انسان باید دو سجده سهو بجا آورد :

1 - اگر در بین نماز ، سهواً حرف بزند

2 - اگر يك سجده را فراموش کند

3 - اگر در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت ، ولی اگر قبل از تمام شدن سجده

دوم شك کند ، عمل به وظیفه ای که قبلاً گفته شد می نماید و بنا بر احتیاط دو سجده سهو بجا می آورد ، و همچنین اگر در حال

ایستاده شك کرد که شش رکعت خوانده یا پنج رکعت ، بدون رکوع می نشیند و تشهد خوانده ، سلام می دهد و دو سجده سهو برای

ایستادن بیجا و دو سجده دیگر برای شکی که کرده ، بنا بر احتیاط انجام می دهد

4 - جایی که نباید نماز را سلام دهد ، مثلاً در رکعت اول ، سهواً سلام بدهد

5 - اگر سهواً چیزی از غیر رکن را کم یا زیاد کند ، بنا بر احتیاط ، دو سجده سهو بجا آورد .

دستور سجده سهو

مسئله 245 :

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز ، فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی بر مهر بگذارد و بگوید :

((بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ)) یا

((بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ))

ولی بهتر است بگوید :

((بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَعْيُهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهَا))

بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید و بنا بر اظهر وقتی سر از سجده برداشت تشهد

بخواند و سپس سلام بدهد .

روزه

تعریف روزه

مسئله 246 :

روزه آن است که انسان برای انجام دادن فرمان خداوند عالم ، از اذان صبح تا مغرب ، از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آنها بعداً گفته می شود ، خودداری کند .

نیت روزه

مسئله 247 :

انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان ، برای روزه فردای آن نیت کند . همچنین جایز است که شب اول ماه روزه همه ماه را

نیت کند.

مسأله 248 :

اگر انسان بخواهد غیر از روزه رمضان ، روزه واجب دیگری بگیرد، بنابر اقوی باید آن را معین کند مثلاً نیت کند که «روزه قضا» یا «روزه نذر» می گیرم ولی در ماه رمضان ، لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان را می گیرم .

مسأله 249 :

اگر روزی را که شك دارد آخر شعبان است یا اول ماه رمضان ، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن ، روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند.

مبطلات روزه

مسأله 250 :

نُه چیز روزه را باطل می کند:

1 - خوردن و آشامیدن

2 - استمنا

3 - دروغ بستن به خدا و پیغمبر ص و جانشینان پیغمبر و معصومان

4 - رساندن غبار به حلق

5 - جماع

6 - اماله کردن

7 - باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

8 - فرو بردن تمام سر در آب

9 - قی کردن

احکام مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

مسأله 251 :

اگر روزه دار، چیزی را عمدتاً بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز، معمول باشد (مثل نان و آب) و چه معمول نباشد (مثل خاک و شیره درخت) و چه کم باشد و چه زیاد.

مسأله 252 :

اگر روزه دار، چیزی را سهواً بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

مسأله 253 :

احتیاط واجب آن است که روزه دار، از استعمال آمپولی که بجای غذا بکار می رود، خودداری کند (بلکه اجتناب خالی از وجه نیست) ، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند، یا به جهت دیگر استعمال می شود، اشکال ندارد.

مسأله 254 :

اگر روزه دار، چیزی را که بین دندان مانده است ، عمدتاً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود.

مسأله 255 :

جویدن غذا برای بچه یا پرند و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند.

مسأله 256 :

انسان نمی تواند برای ضعف ، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که مشقت شدیدی دارد، به طوری که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد، ولی اگر تا سال دیگر خوب شد، باید قضای آن را بگیرد.

استمنا

مسأله 257 :

اگر روزه دار استمنا کند. یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر

مسأله 258 :

اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت ، عمدتاً نسبت دروغ بدهد، روزه او باطل است . و خالی از وجه نیست که به دروغ بستن به پیغمبران و جانشینان آنها و حضرت زهرا 31 ملحق به دروغ بستن به خدا باشد و روزه را باطل کند.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسأله 259 :

رساندن غبار یا دود غلیظ به حلق ، بنابر اظهر، روزه را باطل می کند، چه آن غبار، غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل (غبار آرد) و یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام باشد.

مسأله 260 :

اگر غبار و مانند آن ، بی اختیار، به حلق برسد، روزه باطل نمی شود.

جماع

مسأله 261 :

نزدیکی ، روزه را باطل می کند اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

مسأله 262 :

اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید روزه باطل نمی شود، ولی اگر کسی که آلتش را بریده اند کمتر از ختنه گاه را داخل کند بطلان و عدم بطلان روزه اش محل اشکال است .

مسئله 263 :

اگر فراموش کند که روزه است و نزدیکی نماید، یا او را به نزدیکی مجبور نمایند، روزه او باطل نمی شود. ولی چنانچه در هنگام نزدیکی یادش بیاید، یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال نزدیکی خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است .

اماله

مسئله 264 :

اماله کردن با چیز مایع اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه بنابر اظهار روزه را باطل می کند باقی ماندن بر جنابت ، حیض و نفاس تا اذان صبح

مسئله 265 :

اگر جنب عمدتاً تا اذان صبح غسل نکند، روزه اش باطل می شود و کسی که وظیفه او تیمم است اگر عمدتاً تیمم ننماید، روزه اش باطل است .

مسئله 266 :

کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که وقت آن معین است مثل روزه رمضان ، اگر عمدتاً غسل نکند تا وقت تنگ شود باید با تیمم روزه بگیرد و روزه او بنابر اظهار صحیح است .

مسئله 267 :

اگر زن در ماه رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمدتاً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمدتاً تیمم نکند، روزه اش باطل است و وجوب کفاره خالی از وجه نیست .

مسئله 268 :

اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض و نفاس پاک شود و برای هیچکدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده روزه او صحیح است .

مسئله 269 :

اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد روزه او باطل است .

مسئله 270 :

اگر زنی که در حال استحاضه است غسلهای خود را به تقصیلی که در احکام استحاضه گفته شد بجا آورد روزه او صحیح است ، و بی وجه نیست که صحت روزه او مشروط به انجام غسلی باشد که باید برای نماز صبح انجام دهد، ولی بنابر اظهار غسل نمازهای مغرب و عشاء شب گذشته و شب آینده در صحیح بودن روزه او شرط نیست . و بنابر احتیاط واجب مستحاضه متوسطه هم مثل کثیره انجام غسلی که بر او واجب است در صحیح بودن روزه اش شرط است ولی وضوی واجب بر مستحاضه قلیله ، شرط صحت روزه نیست .

مسئله 271 :

در تمام مواردی که غسل واجب است اگر نتوانست غسل کند وجوب تیمم خالی از وجه نیست و بنابر احتیاط واجب بعد از تیمم باید تا اذان صبح بیدار بماند .

فرو بردن سر در آب

مسئله 272 :

اگر روزه دار تمام سر را، عمدتاً در آب فرو برد اگر چه بقیه بدن از آب بیرون باشد بنابر اقوی روزه اش باطل می شود .

مسئله 273 :

اگر روزه دار با مانع و حائل غلیظی ، دور سر را پوشانده باشد و یا سر را به چیزی آغشته کرده باشد که مانع از رسیدن آب به آن بشود، فرو بردن تمام سر در آب ، بنابر اظهار، روزه را باطل نمی کند .

مسئله 274 :

فرو بردن سر در آب مضاف ، بنابر احوط، روزه را باطل می کند .

مسئله 275 :

اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود .

مسئله 276 :

اگر انسان فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، یا دیگری ، به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب ، یادش بیاید که روزه است ، یا آن شخص دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش باطل می شود .

قی کردن

مسئله 277 :

هر گاه روزه دار ، عمدتاً قی کند، اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد، روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهواً و یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد، ولی نباید آن را عمدتاً فرو ببرد .

کفاره روزه

مسئله 278 :

کسی که روزه ماه مبارک رمضان ، بر او واجب است ، اگر به عمد یا شبه عمد، روزه خود را باطل کند، باید علاوه بر قضای آن

، کفار هم بدهد.

مسئله 279 :

کسی که کفار روزه رمضان بر او واجب است باید:

یا يك بنده آزاد کند

یا دو ماه روزه بگیرد

یا شصت فقیر را سیر کند و یا به هر کدام ، يك مُدّ (تقریباً ده سیر) طعام ، یعنی گندم یا جو و مانند اینها، بدهد. دادن پول طعام کافی نیست ، ولی اگر فقیر را در خریدن و قبول آن وکیل کند و فقیر نیز انجام دهد، کافی است .

مسئله 280 :

کسی که می خواهد به عنوان کفار قضای عمدی ماه رمضان ، دو ماه روزه را بگیرد، باید سی و يك روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

مسئله 281 :

اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است نزدیکی کند چنانچه زن را مجبور کرده باشد کفار روزه خودش و روزه زن را باید بدهد ولی اگر در اثناء، زن راضی شود، بنابر احتیاط واجب مرد دو کفار بدهد و زن يك کفار و اگر زن به نزدیکی راضی بوده بر هر کدام يك کفار واجب می شود.

مسئله 282 :

اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که نزدیکی نماید یا کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد واجب نیست کفار روزه شوهر را بدهد.

مسئله 283 :

کسی که به سبب مسافرت یا بیماری روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به نزدیکی کند.

مسئله 284 :

اگر کفار واجب شود و چند سال آنرا بجا نیاورد چیزی بر آن اضافه نمی شود.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

مسئله 285 :

اگر کسی مریض باشد به طوری که بداند یا گمان کند روزه گرفتن برای او ضرر دارد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد روزه اش صحیح نیست ، و در صورت خوف ضرر در صورتی که خوف او عقلایی باشد، می تواند روزه اش را افطار کند.

مسئله 286 :

کسی که به علت پیری نمی تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست ، و چنانچه تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد، اقوی وجوب قضا است ، و در صورتی که نتواند تا رمضان بعد روزه را قضا کند، واجب است برای هر روز يك مُد طعام - که تقریباً ده سیر است - از گندم یا جو و مانند اینها صدقه دهد و همچنین کسی که توانایی قضای روزه را داشته ولی به سبب ندانستن حکم ، قضای آن را تا رمضان بعد تاخیر انداخته ، باید علاوه بر قضای روزه به مقداری که گفته شد کفار بدهد.

مسئله 287 :

بر پسر یا دختری که تازه بالغ شده اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفار هم ندارد، ولی قضاء دارد.

مسئله 288 :

زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا خودش ضرر دارد، واجب است افطار نماید و برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد و در هر صورت روزه هایی را که نگرفته ، بعداً قضا نماید.

مسئله 289 :

زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است ، چه مادر بچه باشد یا دایه او ، چه با اجرت شیر بدهد یا بی اجرت ، اگر روزه برای خودش یا بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد، واجب است افطار کند و برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته بعد از برطرف شدن عذر، باید قضا نماید، و اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه ، از پدر یا مادر بچه یا از شخص دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، واجب است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

روزه حرام - روزه مستحب

مسئله 290 :

روزه عید فطر و قربان حرام است

مسئله 291 :

بنابر احتیاط روزه مستحبی برای زن ، بدون اذن شوهر صحیح نیست ، چه منافات با حق شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد، و اگر شوهر به خاطر منافات با حقش ، زن را از روزه ای که به نحوی بر خود واجب نموده منع کند، در صورتی که وقت روزه وسعت دارد زن نباید روزه بگیرد، ولی اگر وقت روزه تنگ شود اذن شوهر شرط نیست .

مسئله 292 :

بنابر احتیاط مستحب در صحیح بودن روزه مستحبی فرزندان، اذن پدر و مادر شرط است ، گرچه بنابر اقوی همین که موجب ناراحتی آنها نشود و یا نهی نکرده باشند روزه اش صحیح است .

استفتائات

1 - آیا زنان هم محتلم می شوند مثل مردان که غسل بر ایشان واجب می شود و خودداری کردن از خواب دوم در روزه در حق ایشان نیز لازم است یا نه :

بسمه تعالی

بلکه ممکن است مثل مردان باشند اگر چه بعید است ، و بر فرض انزال در احتلام و وجوب غسل و بقیه موارد مثل مردانند البته با علم یا اطمینان به اینکه منی مرد نیست .
2 - کسانیکه عذر دارند مثل مریض ، مسافر و دیگران اگر روزه بگیرند جایز است از آنها یا نه .

بسمه تعالی

مجزی نیست و قضای آن روزه بر او واجب است ، مگر مسافری که جاهل به حکم باشد و عالم نباشد حتّی اجمالاً پس کفایت می کند روزه آن به خلاف ناسی . اگر در اثنای روزه جاهل یا ناسی آگاه شوند به مسئله واجب است روزه را افطار کنند . و در شرطیت عدم خوف در صحّت (به این معنی که قضاء واجب باشد در صورت صوم ، به رجاء عدم ضرر و در واقع مضرّ نباشد) تا عمل است . بله می تواند با خوف ضرر عقلانی افطار نماید .

3 - هرگاه عذر حیض و نفساء در جزئی از روز حاصل شود باید افطار کنند یا نه :

بسمه تعالی

بله باید افطار کند هر چند کمی قبل از غروب باشد یا خون قطع شود لحظه ای بعد از طلوع فجر .

4 - اگر زن حامله ای که وضع حمل او نزدیک باشد ، بترسد بر خود و یا بر طفلی که در شکم اوست از جهت تشنگی یا گرسنگی ، تکلیفش چیست .

بسمه تعالی

واجب است افطار نماید . و همچنین زنی که شیر می دهد طفل را و کم باشد شیر او و بترسد بر ضرر رسیدن به طفل یا بر نفس شیردهند یا شیردادن که ضرری بر یکی از شیرخوار یا شیردهنده وارد شود . به سبب روزه گرفتن و احوط قصر حکم به جواز افطار یا وجوب آن است . و صدقه بدهد زن از مال خود در عوض هر روزی ، به مدّی از طعام و قضا نماید بعد از زوال عذر .
5 - آیا تعلق صدقه در زن شیردهنده ، میان مادر ، مستاعجره و منبرعه فرق می کند یا نه :

بسمه تعالی

فرقی نیست و همچنین فرق نیست در طفل میان ولد نسبی و رضاعی و حلال زاده و حرام زاده .

6 - زن حامله ای که وضع حملش نزدیک است و زن شیردهی که بچه شیر می دهد باید روزه را افطار کنند اگر روزه بگیرند حکمش چیست .

بسمه تعالی

روزه اینها باطل است و قضاء از اینها ساقط نمی شود بطلان و قضاء در صورت صوم به رجاء عدم ضرر با انکشاف عدم آن در واقع ، لکن محل تا عمل ، صورت عدم حرمت اضرار بر نفس یا ولد است بدون علم و ظنّ و همچنین است حال در خوف مرض .

7 - آیا بر حیض و نفساء قضاء روزه ماه مبارک رمضان واجب است یا نه :

بسمه تعالی

بله واجب است ، و همچنین بر کسی که خواب رفته باشد تمام روز را و نیت نکرده باشد ، یا اینکه روزه را فراموش کرده باشد و نیز کسی که غسل جنابت را فراموش کرده باشد و بگذرد بر او چند روز یا تمام ماه قضاء بر او واجب است .

8 - اگر مردی زن خود را در روز ماه رمضان اجبار کرد بر جماع و هر دو روزه باشند حکمش چیست .

بسمه تعالی

واجب است بر مرد دو کفاره بدهد و اما اگر زن اطاعت مرد را نموده باشد واجب است بر هر کدام يك کفاره و اگر زن در اثناء راضی بشود بنا بر احتیاط واجب مرد دو کفاره و زن يك کفاره بدهد .

9 - اگر کسی در روز ماه رمضان افطار کند و آن را حلال بداند ، مرتد است یا نه :

بسمه تعالی

بله مرتد است .

حجّ

تعریف حجّ:

زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی مخصوص در زمانی خاص را حجّ گویند .

حجّ از ارکان دین است و يك بار در تمام عمر بر انسان واجب می شود .

شرائط وجود حجّ

1 : بالغ باشد .

2 : عاقل و آزاد باشد .

3 : به واسطه رفتن به حجّ مجبور نشود که کار حرامی را که اهمیّتش در شرع از حجّ بیشتر است انجام دهد یا عمل واجبی را که از حجّ مهمتر است ترك نماید .

4 : مستطیع باشد .

شرائط مستطیع بودن

1 : توشه راه و چیزهایی را که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است دارا باشد و نیز مرکب سواری یا مالی که بتواند آن را تهیه کند ، داشته باشد .

2 : داشتن توانایی جسمی ، جهت انجام اعمال حجّ .

3 : در راه مانعی از رفتن نباشد ، و اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه جان یا آبروی او از بین برود یا مال او را ببرند ، حجّ بر او واجب نیست ، ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگرچه دورتر باشد ، در صورتی که مشقت زیاد نداشته باشد و خیلی غیرمتعارف نباشد ، باید از آن راه برود .

4 : داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حجّ .

5 : داشتن مخارج عائله تا برگشت هر چند واجب النفقه او نباشند ولی مردم تا عمین مخارج آنها را لازم بدانند .

6 : داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند و به زحمت نیفتد .

نکته :

چون در این رساله بحث از احکام بانوان است لذا ما در حج فقط به شرائط و وجوب حج و مستطیع بودن را ذکر کردیم که عمومیت دارد و به همین اندازه بسنده کردیم و به استفتائات در این مورد را متذکر می شویم :

استفتائات

استطاعت

1 - در صورتی که ملاک بلوغ در دختران تمام شدن ٲ سال هجری قمری است آیا با وجود سایر شرایط، حج بر آنان واجب می گردد، در حالی که رفتن آنها به مکه بدون سرپرست ممکن نیست ؟

بسمه تعالی

در صورتی که در سفر احتیاج به مُحَرَّم مثل پدر یا برادر داشته باشند، مخارج آنها جزء شرایط استطاعت حج است .

2 - اگر زن مهریه را از شوهر بگیرد می تواند با آن به مکه مشرف شود آیا حق مطالبه دارد؟

بسمه تعالی

در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند، وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است ، ولی اگر موجب ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث کسرشائن او گردد، مطالبه لازم نیست .

3 - مردی هنگام عقد ازدواج ، يك سفر حج به زنش وعده داده ، آیا حج بر ذمه این زن استقرار پیدا کرده یا نه ؟

بسمه تعالی

تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی شود، ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند .

4 - زمانی که ازدواج کردم با مهریه ام می توانستم به حج مشرف شوم ، ولی چون شوهرم آن را نپرداخت از این فیض محروم

گردیدم و الان که هزینه حج سنگین شده و مهریه هم کفایت نمی کند، آیا حج بر ذمه من مستقر شده یا نه ؟

بسمه تعالی

در فرض مزبور حج بر ذمه شما مستقر نشده است .

5 - زن و شوهری هر دو با هم مشغول کسب می شوند با در آمد مساوی و حال برای انجام حج يك استطاعت دارند بر کدام

يك حج واجب است ؟

بسمه تعالی

چون در آمد هر يك وافی به حج نیست بر هیچ کدام حج واجب نمی گردد .

6 - اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجی بجا آورد و بعد از آن ازدواج نمود، آیا جهت انجام فریضه حج اجازه

شوهر لازم است ؟

بسمه تعالی

اجازه شوهر لازم نیست .

7 - زنی که مهریه زیادی از شوهر طلبکار بوده و فوت کرده ، آیا استیجار حج برای او واجب است ؟

بسمه تعالی

در صورتی که مهریه به اندازه مخارج حج کفایت بکند و وصول آن هم در زمان حیات مشکلی نداشته ، حج بر او مستقر شد البته

با شرائطش .

ازدواج

عقد نکاح یا ازدواج عقدی است که به وسیله آن زن به مرد حلال می شود .

اقسام عقد

1 - عقد دائم

2 - عقد غیر دائم

عقد دائم

و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین نشود و زنی را که به این صورت عقد می کنند ((دائمه)) گویند

عقد غیر دائم

و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین شود و زنی را که به این صورت عقد کنند ((متعّه)) یا ((صیغه)) می نامند .

مثل آنکه به مدت يك ساعت یا يك روز یا يك ماه یا بیشتر عقد نمایند .

احکام عقد

مسأله 293 :

در زناشویی دائم یا غیر دائم ، باید صیغه عقد خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه را یا خود زن و

مرد می خوانند یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند .

مسأله 294 :

وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگر وکیل شود .

شرایط عقد

مسأله 295 :

بنابر اظهر، ترجمه صیغه عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافی است . و احتیاط مستحب عربی بودن صیغه

است و برای کسی که آشنا به معنای عربی صیغه نیست و فقط می داند که صیغه عقد، به این لفظ جاری می شود احتیاط مستحب

این است که هم صیغه عربی و هم ترجمه اش را بخواند و اکتفا کردن او به عربی خالی از تا عمل نیست .

و اگر نمی توانند صیغه عربی را بخوانند و یا وکیل بگیرند، قطعاً ترجمه کافی است .

مسئله 296 :

کسی که صیغه عقد را می خواند، چه برای خود و چه به عنوان وکیل ، بنابر احتیاط واجب ، باید بالغ و عاقل باشد و در هنگام خواندن صیغه قصد ایجاد عقد نکاح داشته باشد، و اگر در حال مستی صیغه را بخواند، عقد صحیح نیست .

مسئله 297 :

ولی یا وکیل زن یا مرد که صیغه عقد را می خواند، باید زن و شوهر را به قصد و لفظ معین کنند و در صورتی که زن و شوهر به لفظ یا قصد معین نشود، چه از روی غفلت باشد یا با قصد خلاف ، عقد باطل است .

مسئله 298 :

حضور دو شاهد عادل ، در عقد دائم و غیردائم لازم نیست ، ولی احتیاط مستحب آن است که حضور داشته باشند.

مسئله 299 :

زن و مرد باید به عقد راضی باشند، ولی اگر زنی را برای مردی بدون اجازه آنان عقد کنند و بعداً زن و مرد بگویند به آن عقد راضی هستیم ، عقد صحیح است .

مسئله 300 :

اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شوند و بگویند به آن عقد راضی هستیم ، عقد صحیح است .

مسئله 301 :

اگر پدر و جد پدري غایب باشند، به طوری که نشود از آنان اذن گرفت و ازدواج برای دختر لازم باشد، یا در ازدواج نکردن ضرر یا حرج (یعنی مشقت شدیدی) باشد، و همچنین اگر پدر یا جد پدري از ازدواج او با کسی که هم کفو اوست ، با وجود تمام مقدمات و شرائط، ممانعت کنند، و او نیز تمایل به ازدواج دارد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، با اجتماع تمام شرائط می تواند ازدواج نماید.

موارد فسخ عقد

مسئله 302 :

اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می تواند عقد را به هم بزند:

1 : دیوانگی .

2 : بیماری خوره .

3 : بیماری برص .

4 : کوری .

5 : شل بودن ، به طوری که معلوم باشد.

6 : گوشت یا استخوان یا غده ای در فرج او باشد، که مانع نزدیکی شود.

7 : افضاء شده باشد.

افضاء یعنی چه :

یعنی مجرای بول یا مجرای حیض و غائط او یکی شده باشد، ولی اگر مجرای حیض و غائط او یکی شده باشد، به هم زدن عقد مشکل است و باید احتیاط شود.

مسئله 303 :

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است ، یا آلت مردی ندارد، یا عتین است و نمی تواند نزدیکی نماید، یا بیضه های او را کشیده اند، می تواند عقد را به هم بزند.

مسئله 304 :

اگر مرد یا زن ، به سبب یکی از عیوب که در دو مسأله قبل گفته شد عقد را بهم بزند، از هم جدا می شوند و طلاق لازم نیست .

مسئله 305 :

اگر به علت آن که مرد عتین است و نمی تواند نزدیکی کند، زن عقد را به هم بزند، شوهر باید نصف مهر را بدهد، ولی اگر به علت یکی از عیوب دیگر که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد چیزی بر او نیست و اگر نزدیکی کرده ، باید تمام مهر را بدهد.

مسئله 306 :

دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد اگر بخواهد شوهر کند چنانچه باکره باشد بنابر احتیاط تکلیفاً باید از پدر یا جدّ پدري خود اجازه بگیرد ولی در غیر باکره در صورتیکه بکارتش به سبب شوهر کردن از بین رفته باشد اجازه پدر، جدّ پدري لازم نیست .

احکام عقد دائم

مسئله 307 :

زنی که عقد دائم شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد تسلیم نماید و بدون عنبر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند، و اگر در این امور از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا، لباس ، منزل و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد، مدیون زن است .

مسئله 308 :

اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند، گناهکار است و حق غذا، لباس ، منزل ، و همجواری ندارد، ولی مهر او از بین نمی رود.

مسئله 309 :

اگر هنگام خواندن عقد دائم برای دادن مهر، مدتی معین نکرده باشد زن می تواند قبل از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد، چه نداشته باشد. ولی اگر قبل از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند دیگر نمی تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید.

مسئله 310 :

در صورت فوت زن یا مرد قبل از دخول بنا بر اقوی مهر نصف می شود.

ازدواجهای حرام

مسئله 311 :

ازدواج با زنهایی که به انسان ((مَحْرَم)) هستند مثل مادر و خواهر و مادر زن حرام است .

مسئله 312 :

اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او، و هر چه بالا روند به آن مرد مَحْرَم می شوند.

مسئله 313 :

اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پایین آیند چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد مَحْرَم می شود.

مسئله 314 :

اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی تواند با دختر او ازدواج کند.

مسئله 315 :

عمّه و خاله پدر، عمّه و خاله پدر، عمّه و خاله مادر، عمّه و خاله مادر مادر هر چه بالا روند به انسان محرم هستند.

مسئله 316 :

پدر و جدّ مرد، هر چه بالا روند، پسر و نوه پسری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند به زن او مَحْرَم هستند.

مسئله 317 :

اگر زنی را برای خود عقد کند دائم باشد یا غیر دائم تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.

مسئله 318 :

اگر انسان قبل از آن که دختر عمه یا دخترخاله خود را بگیرد. نعوذ بالله با مادر آنان زنا کند، بنا بر احوط، دیگر نمی تواند با آنان ازدواج کند.

مسئله 319 :

اگر با دختر عمه یا دخترخاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند، با مادرشان زنا نماید، عقد آنان اشکال ندارد.

مسئله 320 :

اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، بنا بر اظهر، می تواند با دختر او ازدواج نماید، ولی احتیاطاً در عدم ازدواج است ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی شود، و همچنین است اگر پیش از آن که با او نزدیکی کند با مادر او زنا نماید.

مسئله 321 :

زن مسلمان نمی تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج نماید و مرد مسلمان هم نمی تواند با زنان کافری که اهل کتاب نیستند ازدواج کند، ولی با زنانی که یهودی و یا نصرانی باشند، موقتاً به صورت صیغه می تواند ازدواج نماید.

مسئله 322 :

اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند، آن زن بر او حرام می شود، و اگر با زنی که در عده طلاق بائن، یا عده وفات است زنا کند، بعداً می تواند او را عقد نماید.

مسئله 323 :

اگر با زن بی شوهری که در عده نیست، زنا کند، بنا بر اظهر مکروه است که بعداً آن زن را برای خود عقد نماید، بلکه احتیاطاً مستحب آن است که با او ازدواج ننماید، مگر این که زن از کار خود توبه نموده باشد.

مسئله 324 :

اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن، یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام می شود، اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.

مسئله 325 :

اگر انسان بدانند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی تواند او را برای خود عقد کند، مگر این که نداند زن شوهر دارد و با او هم نزدیکی نکرده باشد، که در این صورت فقط عقد باطل است، ولی بعد از طلاق او و تمام شدن ایام عده، ازدواج با آن زن، بنا بر اظهر مانعی ندارد.

مسئله 326 :

اگر مرد طواف نساء را که یکی از اعمال حج است بجا نیاورد، زنش که به واسطه مَحْرَم شدن بر او حرام شده بود حلال نمی شود.

و نیز اگر زن طواف نساء نکند، شوهرش بر او حلال نمی شود، ولی اگر طواف نساء را انجام دهند، به یکدیگر حلال می شوند.

مسئله 327 :

مادر، خواهر، و دختری کسی که لواط داده، بر لواط کننده حرام است، اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند، ولی اگر گمان کند که دخول شده، یا شك کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی شود.

احکام نگاه کردن**مسئله 328 :**

نگاه کردن مرد به بدن زنان نامحرم و همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است ، و نگاه کردن به صورت و دستهای آنها اگر به قصد لذت باشد حرام است .
و اما بدون قصد لذت ، نگاه به آنها بنابر اظهر جایز است

مسئله 329 :

بنابر احتیاط واجب نگاه کردن مرد به بدن و موی دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمید جایز نیست . اگر چه بدون قصد لذت هم باشد.

مسئله 330 :

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم ، بنابر احتیاط واجب حرام است و همچنین نگاه کردن زن به بدن پسری که بالغ نشده ، ولی خوب و بد را می فهمد جایز نیست و اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است ، مثل سر ، خالی از وجه نیست مگر اینکه این نگاه کردن کمک به معصیت باشد.

مسئله 331 :

دست زدن مرد به بدن زن نامحرم یا دست زدن زن به بدن مرد نامحرم مثل نگاه کردن حرام است ، و دست زدن مرد به صورت و دستهای زن نامحرم و بالعکس نیز بنابر اظهر ، جایز نیست .

مسئله 332 :

نگاه کردن به زنان اهل ذمه بلکه به زنان کافری که از هنگام تولد محکوم به کفر هستند به جاهایی از بدن آنها که عادتاً پوشانیده نمی شود، بدون قصد لذت و در صورتی که خوف واقع شدن در حرام نباشد، جایز است . و بنابر اظهر نگاه کردن به زنان بادیه نشین و غیر آنها که عادت به پوشانیدن ندارند، بدون قصد لذت ، جایز است مگر در صورت خوف وقوع در حرام ، پس معاشرت با آنها در داد و ستد و سایر نیازها، جایز است .

مسئله 333 :

شنیدن صدای زن نامحرم بدون قصد لذت جایز است .

مسئله 334 :

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند اگر چه کمک به حرام و قصد لذتی در بین نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از پسر غیربالغ که خوب و بد را می فهمد نیز خود را بپوشاند . و همچنین احتیاط واجب آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامحرم بپوشاند اگر چه کمک بر حرام نباشد، و اگر کمک بر حرام باشد پوشاندن بدن قطعاً واجب است ، همان طور که پوشاندن عورت از زن نامحرم واجب است . و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند، اگر چه قصد لذتی در بین نباشد.

مسئله 335 :

نگاه کردن به عورت دیگر حتی به عورت بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد حرام است ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر چه ظاهر و چه باطن را نگاه کنند.

مسئله 336 :

نگاه کردن مرد به بدن مرد دیگر با قصد لذت و همچنین نگاه کردن زن به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است ، ولی بدون قصد لذت جایز است .

مسئله 337 :

اگر مرد برای معالجه زن نامحرم و یا زن برای معالجه مرد نامحرم ناچار شود که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد . ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید نگاه کند .

مسئله 338 :

اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند اشکال ندارد .

مسئله 339 :

نگاه کردن و دست زدن به بدن پسر زن و بچه غیر ممیزی که خوب و بد را نمی فهمد، بدون قصد لذت جایز است .

مسئله 340 :

نگاه کردن مرد به صورت زنی که می خواهد با او ازدواج کند جایز است به شرط آنکه بداند که مانع شرعی از ازدواج با او نیست و احتمال هم بدهد که زن ازدواج را قبول می کند، و احتمال بدهد که با این نگاه کردن اطلاع تازه ای پیدا می کند و با این شرائط، نگاه کردن فقط برای مرد جایز است ، اگر چه چند مرتبه باشد، بلکه ، چنین نگاه کردنی برای جلوگیری از نزاع بعد از عقد مستحب نیز هست و اجازه زن هم در آن لازم نیست .
و بنابر اظهر نگاه کردن به مو و محاسن دیگر آن زن هم با همین شرایط جایز است ، و وجهی دارد که زن هم بتواند به مردی که می خواهد با او ازدواج کند با شریاطی که گفته شد نگاه کند .

استفتائات

1 - نگاه کردن هر مکلفی به عورت دیگری جایز است یا نه .

بسمه تعالی

حرام است اگر چه او مکلف به پوشانیدن عورت خود نباشد، مثل دیوانه بلکه جایز نیست نگاه کردن به عورت طفل ممیز و فقط زن و شوهر استثناء هستند .

2 - آیا نگاه کردن بر عورت طفل غیر ممیز جایز است یا نه .

بسمه تعالی

بله جایز است .

مسائل متفرقه ازدواج

مسئله 341 :

اگر مرد در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده ، بنابراین ظاهر ، می تواند عقد را بهم بزند ، ولی اگر به گمان باکره بودن با زنی ازدواج کرد و بعداً معلوم شود که باکره نیست ، اختیار فسخ ندارد مگر در صورتی که تألیسی در کار باشد .

مسئله 342 :

مردی که از پدر و مادر غیرمسلمان به دنیا آمده و مسلمان شده ، اگر پیش از نزدیکی با همسرش مرتد شود ، عقد او باطل می گردد ، و اگر بعد از نزدیکی مرتد شود ، چنانچه زن او در سن زنهایی باشد که حیض می بینند ، باید آن زن به مقداری که در احکام طلاق گفته می شود ، عده نگاه دارد ، پس اگر پیش از تمام شدن عده ، شوهر او مسلمان شود عقد باقی ، وگرنه باطل است .

مسئله 343 :

اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند ، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد .

مسئله 344 :

اگر زن از شوهر قبلی دختری داشته باشد شوهر فعلی می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند ، و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند ، می تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید .

مسئله 345 :

اگر زنی از زنا آبتن شود ، جایز نیست بچه اش را سقط کند .

مسئله 346 :

کسی که از زنا به دنیا آمده ، اگر زن بگیرد و اولاددار شود آن اولاد حلال زاده است .

مسئله 347 :

هرگاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض با زن نزدیکی کند معصیت کرده ، ولی اگر بچه ای از آنان به دنیا بیاید حلال زاده است .

احکام شیر دادن

مسئله 348 :

اگر زن بچه ای را با شرایطی که بعداً گفته خواهد شد شیر دهد آن بچه بواسطه شیر خوردن به افراد ذیل محرم می شود :

- 1 - خود زن ، (و او را مادر رضاعی می گویند)
- 2 - شوهر زن که شیر مال او است ، (و او را پدر رضاعی می گویند)
- 3 - پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند
- 4 - بچه هایی که از آن زن به دنیا آمده اند ، یا بعداً به دنیا می آیند
- 5 - بچه های اولاد آن زن هر چه پایین آیند
- 6 - خواهر و برادر آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
- 7 - عم و عمه آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
- 8 - دایی و خاله آن زن ، اگر چه رضاعی باشند
- 9 - اولاد شوهر آن زن ، که شیر مال آن شوهر است ، هر چه پایین روند
- 10 - پدر و مادر شوهر آن زن ، که شیر مال آن شوهر است ، هر چه بالا روند
- 11 - خواهر و برادر شوهر که شیر مال او است ، اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند
- 12 - عم و عمه ، دایی و خاله شوهر که شیر مال او است ، هر چه بالا روند ، اگر چه رضاعی باشند

مسئله 349 :

اگر زن بچه ای را با شرایطی که گفته می شود شیر دهد ، شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه ، محرم نمی شود .

مسئله 350 :

اگر زن بچه ای را شیر دهد ، به برادرهای آن بچه محرم نمی شود ، همچنین خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده محرم نمی شود .

شرایط شیر دادن

مسئله 351 :

شیر دانی که موجب محرم شدن است ، هشت شرط دارد :

- 1 - بچه ، شیر زن زنده را بخورد
- 2 - شیر آن زن از حرام نباشد
- 3 - بچه ، شیر را از پستان بمکد
- 4 - دو سال بچه تمام نشده باشد
- 5 - شیر از يك شوهر باشد
- 6 - بچه به واسطه بیماری شیر را قی نکند ، ولی اگر قی کند باز هم بنابر احتیاط واجب کسانی که بواسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می شوند باید با او ازدواج نکنند ، و نگاه محرمانه هم به او ننمایند

7 - پانزده مرتبه ، یا يك شبانه روز شیر کامل بخورد بلکه اگر ده مرتبه هم به او شیر دهند بنابر اظهار کافی است

8 - شیر خالص باشد و با چیزی دیگر مخلوط نباشد

مسئله 352 :

اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از شیر آن شوهر هم بچه دیگری را شیر دهد، آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی شوند.

مسئله 353 :

اگر زن از شیر يك شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند.

مسئله 354 :

اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرایطی که گفته شد بچه ای را شیر دهند، همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنها محرم می شوند.

مسئله 355 :

اگر کسی دو زن شیرده داشته و یکی از آنان بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد، آن بچه به کسی محرم نمی شود.

مسئله 356 :

اگر زنی از شیر يك شوهر، پسر و دختری را شیر کامل بدهد، خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی شوند.

مسئله 357 :

زنی که برادر انسان را شیر داده ، به او محرم نمی شود.

مسئله 358 :

انسان نمی تواند با دو خواهر ، اگر چه رضاعی باشند، یعنی به واسطه شیر خوردن ، خواهر یکدیگر شده باشند ازواج کند، و چنانچه دو زن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده اند، در صورتی که عقد آنان در يك وقت بوده ، هر دو باطل است ، و اگر در يك وقت نبوده ، عقد اولی صحیح و عقد دومی ، باطل می باشد.

مسئله 359 :

اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد، به انسان محرم نمی شود.

مسائل متفرقه شیر دادن

مسئله 360 :

اگر مرد پیش از آن که زنی را برای خود عقد کند، بگوید به واسطه شیر خوردن ، آن زن بر او حرام شده ، مثلاً بگوید: شیر مادر او را خورده ام نمی تواند با آن زن ازواج کند، و اگر بعد از عقد بگوید، و خود زن هم حرف او را قبول نماید، عقد باطل است ، پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد، یا نزدیکی کرده باشند، ولی در وقت نزدیکی کردن ، زن بداند که بر آن مرد حرام است مهر ندارد، و اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده ، شوهر باید مهر او را مطابق زنهایی که مثل او هستند بدهد.

مسئله 361 :

اگر زن پیش از عقد بگوید به واسطه شیر خوردن بر مردی حرام شده ، نمی تواند با آن مرد ازواج کند و اگر بعد از عقد بگوید، مثل صورتی است که مرد بعد از عقد بگوید که زن بر او حرام است و حکم آن در مسئله قبل گفته شد.

مسئله 362 :

اگر شك کنند بچه به مقداری که علت محرم شدن است و با سایر شرائط شیر خورده یا نه ، بچه به کسی محرم نمی شود و همچنین است اگر گمان داشته باشند ولی گمان به حد اطمینان نرسد.

احکام اولاد و حضانت

مسئله 363 :

فرزندی که از زن متولد می شود ملحق به شوهر می شود، به شرط آن که بین نزدیکی و زایمان ، حداقل شش ماه هلالی که کمترین مدت حمل است ، فاصله شده باشد، و نیز بیشتر از نه ماه فاصله نشود، اگر چه رعایت احتیاط متناسب با يك سال است .

مسئله 364 :

اگر زن شوهردار زنا کند، در صورتی که امکان داشته باشد بچه متولد از او و از شوهرش باشد ملحق به شوهر می شود و متولد از زنا حساب نمی شود.

مسئله 365 :

اگر زنی که آزاد، مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد، تا هفت سال دختر تمام نشده ، پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند.

مسئله 366 :

در ایام سرپرستی هر کدام از پدر و مادر، اگر دیگری خواست بچه اش را ببیند یا این که به او چیزی برساند، یا مشکل و ضرری از او برطرف کند، و یا این که مدتی در کنار هم باشند، دیگری نباید مانع شود.

مسئله 367 :

حق سرپرستی طفل پسر باشد یا دختر، بنابر اظهار تا دو سال برای مادر است ، اما بعد از دو سال تا هفت سال پدر هم حق سرپرستی دارد، و در این پنج سال احوط آن است که حق سرپرستی پسر با پدر و دختر با مادر است ، ولی بعد از هفت سال حق سرپرستی ، فقط از آن پدر است .

طلاق

تعریف طلاق

طلاق یعنی رهایی و یا گسستن پیمان زناشویی
مرد با شرایط ذیل می تواند زن خود را طلاق دهد:

- 1 - بالغ باشد
- 2 - عاقل باشد
- 3 - مجبور نباشد
- 4 - قصد طلاق داشته باشد

مسئله 368 :

زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد، و شوهرش در آن پاکی یا در حال نفاس و حیضی که قبل از این پاکی بود با او نزدیکی نکرده باشد

عده طلاق

مسئله 369 :

زنی که ۹ سال تمام نشده یا زن یائسه اگر چه شوهر با او نزدیکی کرده باشد عده ندارد، بعد از طلاق می تواند فوراً شوهر کند.

مسئله 370 :

زنی که ۹ سال تمام شده و یائسه نیست اگر شوهر با او نزدیکی کند و طلاقش دهد بعد از طلاق باید عده نگاه دارد یعنی بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد به قدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید عده او تمام می شود و می تواند شوهر کند. ولی اگر پیش از نزدیکی کردن با او طلاقش بدهد، عده ندارد.

مسئله 371 :

زنی که حیض نمی بیند، اگر در سن زنهایی باشد که حیض می بیند چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد، باید از طلاق تا سه ماه عده نگاه دارد.

مسئله 372 :

اگر زن آبستن را طلاق دهند، عده اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه اوست ، بنابراین اگر مثلاً يك ساعت بعد از طلاق ، بچه او به دنیا آید، عده اش تمام می شود.

عده وفات

مسئله 373 :

زنی که شوهرش مرده باید (تا چهار ماه و ده روز) عده نگاه دارد، یعنی ، از شوهر کردن خودداری نماید اگر چه یائسه یا صبیغه یا ۹ سال تمام نشده باشد، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عده نگاه دارد ولی اگر قبل از چهار ماه و ده روز بچه اش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این را ((عده وفات)) می گویند.

مسئله 374 :

ابتدای عده وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر مطلع شود.

مسئله 375 :

زنی که در عده وفات می باشد، حرام است لباسهای رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد، و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می باشد.

مسئله 376 :

اگر زنی را که حامله نیست طلاق رجعی داد و قبل از اتمام عده طلاق ، شوهر وفات کرد، زن باید از زمان مرگ شوهر، عده وفات نگه دارد.

طلاق بائن

معنای طلاق بائن

مسئله 377 :

طلاق بائن آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند یعنی بدون عقد او را به همسری قبول نماید، و آن بر پنج قسم است :

- 1 - طلاق زنی که ۹ سال تمام نشده باشد
- 2 - طلاق زنی که یائسه باشد
- 3 - طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد
- 4 - طلاق زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند
- 5 - طلاق خلع و مبرات

طلاق رجعی

مسئله 378 :

طلاق رجعی آن طلاقی است که بعد از طلاق تا وقتی که زن در عده است مرد می تواند به او رجوع نماید و عقد مجدد لازم نیست

احکام رجوع کردن

مسئله 379 :

در طلاق رجعی مرد دو صورت می تواند به زن خود رجوع کند:

- 1 - حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است
- 2 - کاری کند که زن از آن بفهمد رجوع کرده است

طلاق خُلْع

مسئله 380 :

طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به شوهر می بخشد تا طلاقش دهد. «خُلْع» گویند

طلاق مُبارات

مسئله 381 :

اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن طلاق را «مبارات» گویند

مسئله 382 :

اگر زن در بین عده طلاق خُلْع یا مبارات از بخشش خود برگردد شوهر می تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را زن خود قرار دهد.

مسائل متفرقه طلاق

مسئله 383 :

اگر با زن نامحرمی به گمان اینکه همسر خود اوست نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند شوهرش می باشد، باید عده نگاه دارد.

مسئله 384 :

زنی که به عقد دائم درآمده و شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.

مسئله 385 :

پدر و جد پدری دیوانه در صورتی که مفسده و ضرری در کار نباشد، می توانند زن او را طلاق بدهند.

ارث

کسانی که به واسطه خویشی ارث می برند سه طبقه هستند. و فعلاً ما کاری به طبقات سه گانه نداریم و مورد بحث ما در این رساله زن و شوهری که از یکدیگر ارث می برند است.

ارث زن و شوهر

مسئله 386 :

زن و شوهر در ازدواج دائم با وجود جمیع طبقات سه گانه ای که گفته شد از یکدیگر ارث می برند. و وجود هیچ يك از این طبقات مانع ارث بردن آن دو از یکدیگر نیست.

مسئله 387 :

اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف همه مال را شوهر او، و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد، چهار يك (14) همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند.

مسئله 388 :

اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، چهار يك (14) مال او را زن، و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشت يك (18) مال را زن، و بقیه را ورثه دیگر می برند. و زن از همه اموال منقول ارث می برد. ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد، چه زمین خانه مسکونی باشد یا زمین باغ و زراعت و غیر آن. و از قیمت هوایی مثل بنا و درخت ارث می برد، و بنا بر اظهار با رضایت وارثان از خود هوایی هم می تواند ارث ببرد، و بنا بر اظهار در آنچه که گفته شد فرق ندارد، زن از این شوهر اولاد داشته باشد یا نه، اگر چه احتیاط در مورد زن بچه دار در ارث بردن از زمین خوب است.

مسئله 389 :

اگر زن غیر از شوهر وارثی ندارد، بنا بر اقوی همه مال به شوهر می رسد، ولی اگر شوهر غیر از زن وارث ندارد زن سهم خود را که چهار يك (14) است می برد و بقیه بنا بر اقرب، از امام علیه السلام است.

مسئله 390 :

اگر برای پرداخت سهم زن بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت نمایند باید اجزای آن را قیمت کنند، ولی احتیاط مستحب در این است که ببینند اگر آنها بدون اجازه در زمین بمانند تا از بین بروند چقدر ارزش دارند، و آن را برای پرداخت مبنا قرار دهند.

مسئله 391 :

اگر میت بیش از يك زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد چهار يك (14) مال، و اگر اولاد داشته باشد هشت يك (18) مال به شرحی که گفته شد، به طور مساوی بین زنهای دائمی او تقسیم می شود، اگر چه شوهر با هیچ يك از آنان یا با بعضی از آنان نزدیکی نکرده باشد.

مسئله 392 :

اگر مردی در حال مرض با زنی ازدواج دائم نماید و در آن مرض بمیرد و نزدیکی هم نکرده باشد، زن از آن مرد ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد، و اگر نزدیکی کرده باشد و یا از آن مرض خوب شده و به غیر آن مرض از دنیا رفته باشد آن زن هم از او ارث می برد و هم حق مهر دارد، و اگر زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده در زمان مرضی شوهر از دنیا رفت شوهر از آن ارث نمی برد و حق مهر هم برای زن نیست بنا بر اظهار، اگر چه احتیاط مستحب در صلح است.

مسئله 393 :

اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد طلاق رجعی بدهد و آن زن قبل از اتمام عده بمیرد، شوهر از او ارث می برد، و نیز اگر شوهر قبل از اتمام عده زن بمیرد، زن از او ارث می برد، ولی اگر بعد از اتمام عده رجعی یا در عده طلاق باین یکی از آنان بمیرد، دیگری از او ارث نمی برد.

مسئله 394 :

اگر شوهر در حال مرض عیالش را طلاق دهد، اگر چه طلاق بائن باشد، و قبل از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد، زن با دو شرط

از او ارث می برد:

1 - آن که در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.
2 - آن که شوهر در ادامه همان مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده ، به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی برد.
مسئله 395 :

زنی که به عقد موقت به نکاح مردی درآمده از مرد ارث نمی برد و مرد نیز از او ارث نمی برد اما ارث بین پدر و فرزند یا مادر و فرزند ثابت است .

مسئله 396 :

مرد و زن زنکار و خویشان آنها از فرزندی که از زنا به دنیا آمده ارث نمی برند، ولی اولاد چنین فرزندی و شوهر با زن او، از او ارث می برند.

مسائل جدید

مسئله 1 :

رقصیدن زن در مجالس زنان ، و یا در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترك است .

مسئله 2 :

دیدن نا محرم از طریق تلویزیون و شنیدن صدای آنها، که مقرون به فساد و ریهه است اشکال دارد و بعضی اقسام آن حرام یقینی است .

مسئله 3 :

سن بلوغ دختر تمام شدن نُه سال قمری است ، ولی تکالیفی که قدرت بر انجام آن نداشته باشد، مثل روزه ، از جهت عدم قدرت ساقط است ، ولی بعداً باید قضا نماید. ولی اگر می تواند در همان رمضان بطور منفصل (مثلاً يك روز در میان) انجام دهد باید انجام دهد.

مسئله 4 :

استفاده زن از قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه ، برای اینکه بتواند در ماه رمضان روزه بگیرد چنانچه ضرر مرض آور داشته باشد جایز نیست .

مسئله 5 :

بازی کردن با آلات قمار، از قبیل ((نرد)) و ((پاسور)) و ((شطرنج))، با برد باخت حرام قطعی ، و بدون برد و باخت احتیاط در ترك آن است و در شطرنج احتیاط شدیدتر است . (این حکم در صورتی است که همان شطرنج معهود قدیم باشد)

مسئله 6 :

جلوگیری کردن زن از بار داری قبل از انعقاد نطفه اشکال ندارد، و عمل جراحی برای آن ، اگر ضرورت لازم عقلایی داشته باشد و با رضایت شوهر انجام شود مانعی ندارد، به شرط آنکه از لمس و نظر حرام اجتناب شود ولی عقیم کردن جایز نیست .

مسئله 7 :

اگر زنی علم پیدا کرد که شوهرش مرده است و شوهر کرد و بعداً شوهر اولش پیدا شد، آن زن زوجه شوهر اول است و نسبت به دومی شبهه است و باید عده وطی به شبهه نگه دارد.

مسئله 8 :

در موردی که به تشخیص دکتر حمل برای مادر ضرر دارد و ادامه حمل ممکن است منجر به مرگ مادر شود چنانچه اشکالی در تشخیص دکتر نباشد و تحقیق کامل هم در این جهت شده باشد، سقط جنین قبل از دمیده شدن روح مانعی ندارد .

مسئله 9 :

زن باید برای بیرون رفتن از منزل از شوهر خود اجازه بگیرد و یا علم به رضایت او داشته باشد. مگر در واجبات شرعی و چنانچه در ضمن عقد شرط کرده باشد که زن برای شغلش مثلاً بتواند به خارج از منزل برود، و یا عقد مبتنی بر این شرط واقع شده باشد، این شرط نافذ است .

مسئله 10 :

زنی که شوهر کرده و از وطن خود به شهر دیگر می رود، در صورتی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده باشد، هر وقت به آنجا می رود نمازش تمام است و روزه را باید بگیرد، و اگر به سبب تبعیت از شوهر یا جهات دیگر اعراض کرده در وطن اصلی حکم مسافر را دارد.

مسئله 11 :

در موردی که شوهر به وطن اصلی خود که از آنجا اعراض نکرده ، رفته و همسر وی با او به آن محل می رود، در صورتی که زن قصد اقامت ده روز نداشته باشد نمازش شکسته است و میزان قصد خود زن است و لو قصد از جهت تبعیت شوهر باشد.

مسئله 12 :

دست زدن (کف زدن) در مجالس جشن و سخنرانی جهت تشویق افراد اگر به حد لهو نرسد مانعی ندارد.